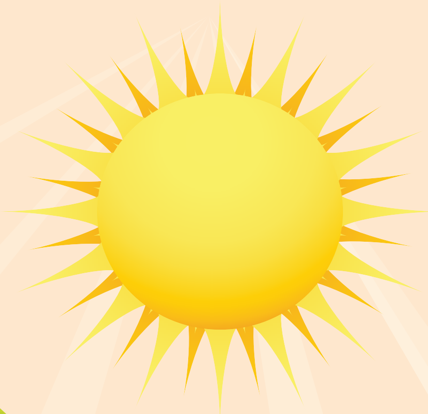


وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف پنجم

(مذهب جعفری)



سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.

تعلیم و تربیهٔ اسلامی صنف پنجم (مذهب جعفری)



بسم الله الرحمن الرحیم



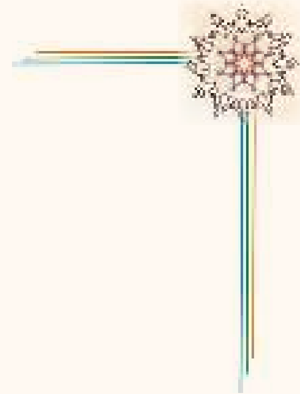
وزارت معارف

تعلیم و تربیهٔ اسلامی

صنف پنجم

(مذهب جعفری)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.



مشخصات کتاب

مضمون: تعلیم و تربیهٔ اسلامی (مذهب جعفری)

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی دیپارتمنت جعفری نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: پنجم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

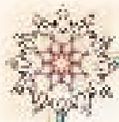
سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af





پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادهٔ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندهٔ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

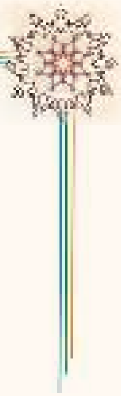
همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادهٔ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف

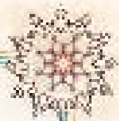


فهرست مطالب









فصل اول
عقاید



درس اول

توحید

هدف: آشنایی با مفهوم توحید و دلایل آن

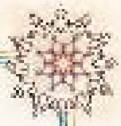
پرسش‌ها

۱- به نظر شما، مفهوم توحید چیست؟

۲- آیا شما می‌توانید دلیلی بر یگانه‌گی خداوند ارائه نمایید؟

همان طوری که می‌دانیم، یکی از اصول دین ما توحید است. توحید، یعنی این که خداوند ﷻ یک و یگانه است و ما به همان خدای یکتا ایمان داریم و تنها او را می‌پرستیم. دلایل زیادی بر یگانه‌گی خداوند وجود دارد. یکی از این دلایل، نظم و هماهنگی است که در مخلوقات خداوند مشاهده می‌شود. در آیهٔ بیست و دوم سورهٔ انبیاء دلیل نظم و هماهنگی مخلوقات را چنین توضیح می‌دهد: ﴿لَو کانَ فِیهِما آلِهَةٌ إلا اللهُ لَفَسَدَتا﴾؛ یعنی اگر در زمین و آسمان غیر از الله تعالی معبودهای دیگری نیز وجود می‌داشت، زمین و آسمان تباه می‌شدند.

برای روشن شدن مفهوم آیهٔ کریمه به این مثال توجه می‌کنیم: اگر در خانه‌یی چند نفر تصمیم گیرنده وجود داشته باشند و هرکدام بدون هماهنگی با دیگری تصمیم بگیرند و عمل کنند، در این خانه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا چنین خانه‌یی می‌تواند دوام پیدا کند و یا به زودی فرو خواهد پاشید؟ همچنین، اگر در یک ولسوالی دو ولسوال، در یک ولایت دو والی و یا در یک کشور دو یا سه رئیس جمهور وجود داشته باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ اگر در جهان چند خالق وجود داشته باشد و هرکدام تصمیمی بگیرند؛ طور مثال: یکی بخواهد موجودی را بیافریند و دیگری نخواهد و یکی بخواهد کاری را انجام دهد و دیگری آن کار را نخواهد، در این صورت جهان نابود خواهد شد و چنین نظم شگفت‌انگیزی که اکنون در آن مشاهده می‌شود، وجود نخواهد داشت. پس، نظم و هماهنگی بسیار زیاد در جهان نشانهٔ آن است که تنها یک خدا وجود دارد که همان الله تعالی است.



فعالیت

شاگردان، به چند گروه تقسیم شوند و در بارهٔ مفهوم آیهٔ کریمه با هم صحبت کنند.

ارزیابی

۱- مفهوم توحید چیست؟

۲- نظم و هماهنگی مخلوقات دلیل چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، یک مثال از نظم جهان را که دلیل یگانه‌گی خداوند ﷻ باشد، در کتابچه‌های‌شان بنویسند.



درس دوم

اقسام توحید

هدف: آشنایی با اقسام توحید

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که توحید در بارۀ خداوند، یعنی چه؟

۲- در بارۀ به اقسام توحید چه می‌دانید؟

توحید

توحید اصطلاحی است که تنها در بارۀ خدا به کار می رود. واحد بودن خداوند به این معنا است که خداوند یک و یگانه است و صفات خداوند هم عین ذات او بوده و در آن‌ها چندگانه گی وجود ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ إلٰهُكُم إلهٌ واحِدٌ لا إلهَ إلا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحِيمُ[1]﴾؛ معبود شما معبود یگانه‌یی است که جز او معبودی نیست؛ معبودی مهربان و بخشنده.

اقسام توحید

الف) توحید ذاتی: یعنی ذات پاک خداوند یگانه است و هیچ شبیه و مانندی ندارد.

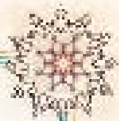
ب) توحید صفاتی: یعنی صفات خداوند عین ذات یگانۀ اوست؛ نه مانند صفات مخلوقات که از یکدیگر جدا و از ذات مخلوقات نیز جدا است.

ج) توحید افعالی: تمام کارهایی که در جهان هستی انجام می گیرد، از جانب خدای واحد است و هیچ کس در کار خداوندﷻ شریک نیست. او خالق، رازق و اداره کنندۀ جهان است. ﴿لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ إلا بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمَ﴾؛ هیچ حول و قوه‌یی نیست، مگر اینکه از جانب خدای تعالی است.

د) توحید عبادی: عبادت مخصوص خدوندﷻ است و هیچ معبودی جز ذات پاک او تعالی شایسته‌گی عبادت را ندارد. توحید شاخه‌های دیگری هم دارد که در صنف‌های بالا خواهد آمد؛ مانند مالکیت؛ (یعنی همه چیز از آن خداست) ﴿لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي

---

۱ - بقره، آیۀ ۱۶۳



الأَرْضِ[1]﴾؛ آنچه در آسمان ها و زمین است، از آن خداست و توحید حاکمیت یعنی قانون تنها قانون خداست ﴿وَ مَن لَّمْ يَحْكُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ[2]﴾؛ کسی که به دستور خداوند حکم نکند، از جملهٔ کافران است.

فعالیت

شاگردان در گروه‌های سه نفری تقسیم شده، در بارهٔ اقسام توحید با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- توحید ذاتی، یعنی چه؟
۲- توحید صفاتی به چه معنا است؟
۳- توحید افعالی را معنا کنید.



کار خانه‌گی

شاگردان، آیات درس را با ترجمهٔ آن حفظ کنند.

---

۱ – بقره/ آیهٔ ۲۸۴.
۲ – مائده/ آیهٔ ۴۴.

درس سوم

توحید ذاتی

هدف: آشنایی با توحید ذاتی

پرسش

آیا می‌دانید که توحید ذاتی چیست؟

توحید ذاتی یعنی این‌که خداوند، یگانه و بی‌همتا است و هیچ شبیه، مثل و مانندی ندارد. خداوند ذاتی است که هیچ‌گونه تعدّد و کثرتی در او راه ندارد و نمی‌توان فرد دیگری برای او تصور کرد. او یکی است که دو ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ وَ الْمَلائِکَةُ وَ اُولُو الْعِلْمِ﴾؛ خداوند، فرشته‌گان و صاحبان دانش گواهی می‌دهند که خدایی جز او تعالی نیست و نیز خداوند به پیامبرش دستور می دهد که: ﴿قُلْ هُوَ اللّٰهُ أحَدٌ﴾؛ بگو ای پیامبر که خداوند یگانه است.

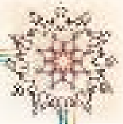
روزی شخصی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد: بالاترین مرحلهٔ علم چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: شناخت خدا، آنچنان که شایستهٔ شناخت او است.

او گفت: حق شناخت خدا چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: این است که بدانی او نه مثلی دارد و نه شبیهی و او را به عنوان خدای یگانه، که خالق، قادر و بی‌نیاز است، بشناسی که نه همتایی دارد و نه مانندی و این شناخت سزاوار خداوند است.

یکی دیگر از معانی توحید ذاتی آن است که ذات خداوند دارای اجزا نمی‌باشد. مقصود از داشتن اجزاء این است که ذات خداوند مثل موجودات دیگر، دارای اجزایی؛ مثل :صورت، دست و پا و مانند آن نیست و از آن منزه می‌باشد؛ زیرا هر موجودی که دارای اجزا باشد، به همان اجزای تشکیل دهندهٔ خود نیازمند بوده و در هستی خویش به آن‌ها وابسته است و موجود نیازمند نمی‌تواند خداوند و خالق دیگران باشد.

قرآن کریم در هجده سوره، خداوند را به صفت غنی و بی‌نیاز توصیف نموده است؛ از جمله می‌فرماید: ﴿یا اَیُّهَا النّاسُ اَنْتُمُ الْفُقَراءُ اِلَی اللّٰهِ وَ اللّٰهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ﴾؛ ای مردم، همهٔ شما نیازمند به خدا هستید و خدا بی‌نیاز و ستوده شده است.



فعالیت

شاگردان، متن درس را در گروه‌های سه نفری با هم بخوانند و بحث نمایند.

ارزیابی

۱- پیامبر بزرگوار اسلام توحید ذاتی را چگونه بیان فرموده است؟
۲- چرا ذات خداوند دارای اجزا نمی‌باشد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، حدیث پیامبر بزرگوار اسلام را در کتابچه‌های خود نوشته، برای والدین در خانه بخوانند.



درس چهارم

توحید صفاتی

هدف: آشنایی با توحید صفاتی

پرسش‌ها

۱- آیا مفهوم توحید صفاتی را می‌دانید؟

۲- به نظر شما علم و قدرت خداوندﷻ با علم و قدرت انسان‌ها چه تفاوت دارد؟

علی در صنف پنجم مکتب درس می‌خواند. او خیلی چیزها را می‌داند و کارهایی را هم می‌تواند انجام دهد؛ ولی در اولین روزی که متولد شده بود، چیزی را نمی‌دانست و کاری را هم نمی‌توانست انجام دهد؛ اما او به مرور زمان مقداری از آگاهی و علم به دست آورده و توانایی انجام بعضی از کارها را نیز کسب کرده است.

آیا علم و قدرت خداوند نیز مثل علم و قدرت علی است؟

آیا علم خداوند نیز مثل علم علی به مرور زمان به دست می‌آید؟

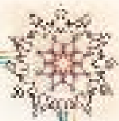
آیا علم خداوند نیز از قدرتش جداست؟

در جواب سؤال‌های بالا می‌توان گفت که علم و قدرت خداوندﷻ مثل علم و قدرت علی نیست. بلی ما در عین حال که باور داریم خداوند دارای صفات ذاتی مثل علم و قدرت می‌باشد، به توحید صفاتی خداوند نیز باور داریم.

توحید صفاتی، یعنی اعتقاد به این که صفات خداوند عین ذات او و عین یکدیگر اند و همان گونه که ذات او همیشه بوده و همیشه هست، صفات ذاتی او مانند: علم و قدرت نیز چنین است.

طور مثال: اگر می‌گوییم خداوندﷻ عالم است، به این معنا نیست که علم خدا در مکتب و پیش معلم و به مرور زمان به وجود آمده باشد؛ بلکه به این معناست که ذات خداوندﷻ عین علم و علم او عین ذاتش است؛ یعنی علم و ذات خدا از یکدیگر جدا نیست.

اما در بارهٔ موجودی؛ مانند انسان، وقتی می‌گوییم عالم است؛ یعنی علم او خارج از ذات او است؛ زیرا در زمانی او این صفت را نداشت و عالم نبود و در زمانی دیگر آن را به دست آورده است و عالم شده است.



از سوی دیگر، صفات انسان مثل علم و قدرت از یکدیگر جدا می‌باشند؛ یعنی یک نفر عالم است؛ اما قدرت انجام دادن خیلی از کارها را ندارد و قادر نیست. یا قادر است و عالم نیست؛ ولی صفات ذاتی خدا از یکدیگر جدا نبوده؛ بلکه هریک از صفات او عین دیگری است.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفره راجع به صفات خدا و صفات انسان و تفاوت آن دو بحث کنند.

ارزیابی

۱- تفاوت صفات ذاتی خداوند مثل علم و قدرت با علم و قدرت انسان در چیست؟
۲- توحید صفاتی خداوند به معنای چیست؟
۳- آیا علم و قدرت خداوند ﷻ جدا از یکدیگراند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارهٔ تفاوت صفات خداوند ﷻ با صفات انسان در کتابچه‌های شان دو سطر بنویسند.

درس پنجم

توحید عبادی

هدف: آشنایی با توحید عبادی

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که تنها کدام ذات شایسته‌گی پرستش را دارد؟

۲- به نظر شما چرا هیچ‌کس غیر از خداوند یکتا قابل عبادت نیست؟

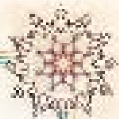
توحید عبادی، یعنی اعتقاد به این که تنها خداوند یکتا شایسته‌گی عبادت را دارد و عبادت برای غیر خدا به هر شکل و صورتی که باشد، نادرست است؛ زیرا تنها یک خدا در عالم هستی وجود دارد. ما باید تنها او را عبادت کنیم؛ در برابر غیر او سر تسلیم فرود نیاوریم و جز به درگاه او سجده نکنیم؛ بنابراین، سجده کردن و سایر اعمالی که عبادت محسوب می‌شوند، جز برای پروردگار یگانه برای هیچ‌کسی جایز نیست؛ چنانچه در قرآن کریم هم از زبان یکی از پیامبران الهی چنین آمده است: ﴿اعبُدُوا اللهَ ما لَکُم مِن إلهٍ غَیرُهُ﴾[۱]؛ ای قوم من! خدا را بپرستید که جز او خدایی نیست. عبادت باید برای ذاتی باشد که از همگان بی‌نیاز است؛ بخشندهٔ تمام نعمت‌ها و آفرینندهٔ همهٔ موجودات است و این صفات جز در ذات پاک خداوند یافت نمی‌شود.

یکی از شعارهای اساسی پیامبر گرامی اسلام هم این است که هیچ معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد. حضرت محمد ﷺ می‌فرماید: ﴿قُولُوا لا إلهَ إلا اللهُ تُفلِحُوا﴾؛ بگویید هیچ معبودی جز خدای یگانه وجود ندارد، رستگار می‌شوید؛ پس تنها خدای یگانه قابل پرستش و عبادت است و تنها او لایق اطاعت و بندگی است و باید همیشه از او اطاعت کنیم. قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿إنَّ صَلاتِی وَ نُسُکِی وَ مَحیایَ وَ مَماتِی لِلهِ رَبِّ العالَمِینَ* لا شَرِیکَ لَهُ وَ بِذلِكَ أمِرتُ وَ أنا أوَّلُ المُسلِمِینَ﴾؛ همانا نمازم، عبادتم، زنده بودنم و مردنم برای خداوند، پروردگار جهانیان است. او را شریکی نیست و به این فرمان داده شده‌ام و من اولین تسلیم‌شده‌گان به حق هستم[۲].

---

۱. اعراف/ آیهٔ ۵۹

۲. انعام/ آیات ۱۶۲- ۱۶۳



اگر کسی به غیر از خدا چیز دیگر را عبادت کند، مشرک محسوب می‌شود و کسی که به خدا شرک ورزد و برای او مثل و مانند و همتا قرار دهد، هیچ‌گاه بخشیده نخواهد شد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَآءُ وَ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً[1]﴾؛ خداوند، شرک به او را نمی‌آمرزد؛ ولی کمتر از آن را برای هرکسی که بخواهد و شایسته بداند، می‌آمرزد و هر کسی کی برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی آشکاری افتاده است.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ توحید عبادی در گروه‌های سه نفری با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- چرا تنها می‌توان خداوند یکتا را پرستش کرد؟
۲- چرا به غیر از خدا کسی دیگر را نمی‌توان عبادت کرد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، ترجمهٔ آیات درس را در کتابچه‌های خود بنویسند و در خانه بلند بخوانند.

۱. نساء/ آیهٔ ۱۱۶.

درس ششم

توحید افعالی

هدف: آشنایی با توحید افعالی

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید مفهوم توحید افعالی چیست؟

۲- آیا معجزات پیامبران کار خودشان است یا کار خداوند؟

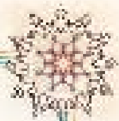
ما مسلمانان باور داریم که توحید افعالی به این معنا است که همهٔ کارهایی که در هستی انجام می‌شود، ناشی از قدرت خداوند است.

قرآن کریم در سورهٔ بقره، آیهٔ ۱۶۵ می‌فرماید: ﴿أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾؛ تمام قدرت و نیرو از آنِ خداوند است؛ و همچنان در دعاها می‌خوانیم : ﴿ما شاءَ اللهُ وَ لا قُوّةَ إلاّ بِهِ، وَ لا حَولَ وَ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللهِ العَلِيِّ العَظِيمَ﴾؛ هرچه را خداوند بخواهد (همان خواهد شد) و هیچ حول و قوه‌یی وجود ندارد؛ مگر قوهٔ خداوند بلندمرتبه و بزرگ و خداوند برای انجام اعمال نیازی به یاری کسی و موجودی ندارد؛ بنابراین، هیچ موجودی در جهان قدرت تأثیرگذاری و انجام هیچ کاری را ندارد؛ مگر به وسیلهٔ نیرویی که خداوند به او داده است.

تمام کارها، حرکت‌ها، تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌ها به ذات پاک او منتهی می‌شود. خداوند متعال همچنان که در ذات خود شریک ندارد، در انجام کارها؛ مانند: خالقیت، ربوبیت، مالکیت، حاکمیت و امور دیگر نیز شریک ندارد.

تمامی مخلوقات الهی در کارهای خودشان به ذات الهی نیازمندند و تأثیرگذاری هر موجودی به اذن خدا و به وسیلهٔ نیرویی است که خدای متعال به آن‌ها عطا فرموده است. اگر کاری به وسیلهٔ اسباب انجام می گیرد، آفریدگار آن وسیله و سبب نیز خداوند است.

معجزاتی که توسط پیامبران الهی صورت گرفته است، همه به اذن خداوند بوده است؛ چنانکه خداوند در قرآن مجید (سورهٔ مائده، آیهٔ ۱۱۰) در بارهٔ حضرت مسیح علیه‌السلام می‌فرماید:



﴿وَ تُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَى بِإِذْنِي﴾؛ و کور مادرزاد و مبتلا به بیماری پیسی را به فرمان من شفا می‌دادی؛ و مردگان را (نیز) به فرمان من زنده می کردی.



فعالیت

شاگردان، در بارۀ متن درس درگروه ها مباحثه نمایند.

ارزیابی

۱- مفهوم توحید افعالی چیست؟
۲- آیا معجزات پیامبران به طور مستقل انجام می‌شد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارۀ توحید افعالی سه سطر بنویسند.

درس هفتم

صفات خداوندﷻ

هدف: آشنایی با برخی از صفات خداوند تعالی

پرسش

با کدام یک از صفات خداوندﷻ آشنایی دارید؟

خداوند تعالی دارای صفاتی است که دانستن آن‌ها برای ما لازم است. به طور کلی خداوندﷻ دارای دو نوع صفات می‌باشد:

الف) صفات ثبوتی: صفات ثبوتی صفا تی‌اند که خداوند تعالی آن‌ها را دارا می‌باشد و بعضی از آن‌ها عبارت‌اند:

۱- قدرت؛

۲- علم؛

۳- حیات؛

۴- ادراک؛

۵- اراده؛

۶- قدیم بودن؛

۷- خالق بودن؛

۸- ازلی بودن.

ب) صفات سلبی: صفات سلبی صفاتی‌اند که برای خداوند ثابت نیست و خداوندﷻ از آن‌ها مبرا است. برخی از صفات سلبی خداوندﷻ عبارت‌اند:

۱- جسم نبودن؛

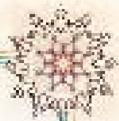
۲- دیده نشدن؛

۳- مرکب نبودن؛

۴- جای نداشتن؛

۵- شریک نداشتن؛

۶- نیازمند نبودن.



تقسیم دیگری نیز در صفات خداوند وجود دارد:

الف) صفات ذاتی: صفاتی‌اند که به ذات خداوند ﷻ مربوط می‌شود؛ مانند حیات، قدرت، علم و اراده.

ب) صفات فعلی: صفاتی‌اند که به خاطر انجام فعلی از طرف خداوند ﷻ به او تعالی نسبت داده می‌شود؛ مانند! خالقیت و رازقیت.

فعالیت

شاگردان، راجع به صفات خداوند ﷻ در گروه‌ها از هم‌دیگر سؤال نمایند.

ارزیابی

۱- صفات ثبوتی خداوند ﷻ به کدام صفات گفته می‌شود؟

۲- صفات سلبی به کدام صفات گفته می‌شود؟

۳- صفات ذاتی چه نوع صفاتی است؟

۴- صفات فعلی خداوند ﷻ چه نوع صفاتی است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، صفات ثبوتی و صفات سلبی خداوند ﷻ را حفظ کنند.

درس هشتم

صفاتی ثبوتی

هدف: آشنایی با صفات ثبوتی خداوندﷻ

پرسش

آیا می‌دانید که صفات ثبوتی چیست؟

صفات ثبوتی، صفاتی‌اند که خداوندﷻ آن‌ها را دارا است. این صفات را به نام «صفات ثبوتیه» یا «صفات جمال» نیز یاد می کنند. زیرا ذات الهی آراسته به این صفات است.

در این درس با مفهوم بعضی از صفات ثبوتی خداوندﷻ آشنا می‌شویم:

۱- قدرت: یعنی خداوندﷻ بر انجام همهٔ کارهایی که ممکن است، توانا است و از انجام هیچ کاری عاجز نیست.

۲- علم: یعنی خداوندﷻ بر همهٔ چیزها دانا است و هیچ چیزی بر او تعالی پوشیده نیست؛ حتی از افکار و نیت‌های انسان‌ها نیز آگاه است.

۳- حیّ: یعنی خداوندﷻ زنده است و هرگز نمی‌میرد و مانند سایر موجودات نیست که آغاز و پایانی داشته باشد.

۴- مرید: یعنی خداوندﷻ همهٔ کارهایش را از روی قصد و اراده انجام می‌دهد.

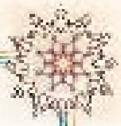
۵- متکلم: یعنی خداوندﷻ سخن گوینده و آفرینندهٔ سخن است.

۶- قدیم: یعنی خداوندﷻ همیشه بوده و پیش از او تعالی هیچ چیزی وجود نداشته است.

۷- ابدی: یعنی خداوندﷻ همیشه خواهد بود.

۸- سمیع: یعنی خداوندﷻ شنوا است و همهٔ صداها و شنیدنی‌ها را می‌شنود و از هیچ صدایی غافل نیست.

۹- بصیر: یعنی خداوندﷻ بینا است و همهٔ چیزها و حوادث را می‌بیند و هیچ چیزی از نظرش پوشیده نیست.



فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری تقسیم شده، در مورد درس با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- چرا صفات ثبوتی را به صفات جمال یاد می‌کنند؟
۲- عالم بودن خداوند ﷻ یعنی چه؟
۳- بصیر بودن خداوند ﷻ به معنای چه است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، صفات جمال خداوند ﷻ را با معنای آن‌ها در کتابچه‌های خود بنویسند.



درس نهم

صفات سلبی

هدف: آشنایی با صفات سلبی خداوند جَلَّ جَلالُه

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید صفات جلال خداوند جَلَّ جَلالُه به چه صفاتی گفته می‌شود؟
۲- آیا می‌توانید بعضی از صفات سلبی خداوند جَلَّ جَلالُه را نام ببرید؟

صفات سلبی صفاتی‌اندکه در ذات خداوند جَلَّ جَلالُه راه ندارد. این صفات را (صفات سلبیه) یا (صفات جلال) می‌گویند؛ چون ذات اقدس خداوندی از آن‌ها منزه است. توضیح برخی از صفات سلبی خداوند جَلَّ جَلالُه را با هم می‌خوانیم:

۱- مرکب نیست: یعنی دارای اجزا نیست؛ زیرا هر موجودی که از دو جزء یا بیشتر درست شده باشد، مرکب نامیده می‌شود و هر چیز مرکب به اجزای خود نیازمند است. خداوند جَلَّ جَلالُه محتاج و نیازمند نیست.

۲- جسم نیست: یعنی خداوند جَلَّ جَلالُه جسم ندارد؛ زیرا هر موجودی که جسم داشته باشد، احتیاج به جای و مکان دارد. خداوند جَلَّ جَلالُه خالق جای و مکان است؛ بنابراین، به هیچ چیز نیاز ندارد.

۳- نامرئی است: یعنی خداوند جَلَّ جَلالُه با چشم دیده نمی‌شود؛ زیرا فقط جسم و خواص آن با چشم دیده می‌شوند. خداوند جَلَّ جَلالُه جسم نیست.

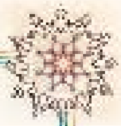
۴- محل حوادث واقع نمی‌شود: تغییر و دگرگونی در ذات خداوند متعال راه ندارد؛ طور مثال: خداوند جَلَّ جَلالُه مریض نمی‌شود؛ پیر نمی‌شود و فراموشی ندارد.

۵- شریک ندارد: یعنی خداوند جَلَّ جَلالُه مثل و مانند ندارد. توضیحاتش در بحث توحید گذشت.

۶- مکان ندارد: خداوند در جایی قرار نگرفته است، نه در آسمان است و نه در زمین؛ زیرا جسم نیست تا در مکانی قرار گیرد. خداوند جَلَّ جَلالُه خالق مکان‌ها است.

۷- خداوند جَلَّ جَلالُه محتاج نیست: به هیچ‌کس و هیچ چیزی نیاز ندارد؛ بلکه همه نیازمند و محتاج او هستند و او خالق همه چیز است.

۸- خداوند جَلَّ جَلالُه ظالم نیست: خداوند جَلَّ جَلالُه عادل است و به هیچ‌کسی ظلم و ستم نمی‌کند.





فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها راجع به صفات سلبی خداوند ﷻ از همدیگر سؤال نمایند.

ارزیابی

۱- چرا صفات سلبی خداوند ﷻ را صفات جلال می گویند؟
۲- چرا خداوند ﷻ دیده نمی‌شود؟
۳- چرا خداوند ﷻ جسم ندارد؟



کار خانه گی

شاگردان، صفات سلبی خداوند ﷻ را حفظ کنند.



درس دهم

عصمت پیامبران علیهم‌السلام

هدف: آشنایی با عصمت پیامبران علیهم‌السلام

پرسش‌ها

۱- آیا مفهوم عصمت را می‌دانید؟

۲- به نظر شما چرا باید پیامبران علیهم‌السلام معصوم باشند؟

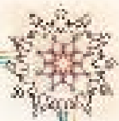
در سال‌های گذشته فهمیدیم که انسان‌ها در زنده‌گی و رفتارهای خود نیازمند راهنما و الگو استند و نیز فهمیدیم که خداوند لطف نموده و عده‌یی از انسان‌های برتر و خاص را به عنوان راهنما و الگوی برای انسان معرفی کرده است. این راهنماها و الگوها همان پیامبران الهی هستند.

حالا این سؤال پیش می‌آیدکه این راهنماها و الگوها چه ویژگی‌ها و صفاتی باید داشته باشند؟ در جواب این سؤال می‌خوانیم که یکی از صفاتی که باید پیامبران الهی و الگوها و راهنمایان انسانی داشته باشند، (عصمت) است.

عصمت، یک دارایی و لطف خداوندی است و به این معنا است که پیامبران الهی، به عنوان راهنماها و الگوهای انسان‌های دیگر، هرگز گناه نمی‌کنند؛ کار اشتباه را انجام نمی‌دهند و دُچار خطا و فراموشی نمی‌شوند؛ زیرا آن‌ها پیامبران الهی هستند و پیام خداوند متعال را برای هدایت انسان‌ها می‌آورند تا مردم راه درست و صحیح را در زنده‌گی پیدا کنند و از گمراهی و بدبختی نجات یابند.

اگر شخصی مردم را به راستگویی و امانتداری، دعوت کند؛ اما خودش درغگو باشد و یا گاهی از او دروغ سر بزند و در امانت مردم خیانت کند، هیچ‌گاه گفتهٔ او در مردم به صورت کامل اثر نمی‌کند؛ پس باید پیامبران علیهم‌السلام به هیچ گناهی آلوده نشوند و هیچ اشتباهی از آنان سر نزند.

عصمت یک صفت اختیاری برای پیامبران الهی است و آنان توان و اختیار انجام گناه را دارند؛ اما آنچه سبب می‌شود که گناه و اشتباه نکنند، علم داشتن پیامبران به واقعیت گناهان



و بدی‌ها و نیکی‌ها است.آن‌ها می‌دانند که گناه انسان را در دنیا و آخرت خوار و ذلیل می‌سازد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها راجع به تفاوت راهنمایی که گاهی اشتباه می‌کند با راهنمایی که هرگز اشتباه نمی‌کند، با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- عصمت به چه معنا است؟
۲- چرا باید پیامبران علیهم‌السلام معصوم باشند؟
۳- چرا انسان‌های معصوم گناه نمی‌کنند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارۀ نیاز انسان به الگو و راهنما در کتابچه‌های خود سه سطر بنویسند.

درس یازدهم

معجزه

اهداف

۱- آشنایی با مفهوم معجزه

۲- آشنایی با مواردی از معجزات پیامبران الهی

پرسش‌ها

۱- آیا مفهوم معجزه را می‌دانید؟

۲- آیا با معجزات پیامبران علیهم‌السلام آشنایی دارید؟

خداوند جل‌جلاله پیامبران زیادی را برای هدایت انسان‌ها فرستاده است. هر وقت پیامبری در میان امتی فرستاده می‌شد، مردم از او می‌خواستند برای اثبات نبوت خود دلیلی بیاورد. پیامبران الهی به طور معمول کارهایی را انجام می‌دادند که مردم از انجام دادن آن عاجز و ناتوان بودند، چنین کاری را معجزه می‌گویند؛ چون دیگران از انجام دادن آن کار عاجزند. معجزه چنان معروف بود که هر وقت کسی ادعای پیامبری می‌کرد، مردم از او معجزه می‌خواستند. هر پیامبری متناسب با شرایط زمان خود معجزه‌یی ارائه می‌داد.

در قرآن‌کریم از معجزات بعضی از پیامبران بزرگ الهی نام برده شده است. برای حضرت موسی چندین معجزه ذکر شده است.

۱- فرعون ساحران را جمع کرد و از آن‌ها خواست تا با حضرت موسی مبارزه نموده و او را شکست دهند. ساحران سحرهای خود را انداختند و از حضرت موسی خواستند که کار خود را انجام دهد. حضرت موسی علیه‌السلام عصای خود را انداخت و به شکل اژدهای بزرگ درآمد و مارهای ساحران را بلعید.

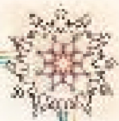
۲- حضرت موسی علیه‌السلام دست به یخن خود فرو می‌کرد و وقتی بیرون می‌آورد، نوری از کف دست آن حضرت می‌درخشید.

برخی از معجزات مهم حضرت عیسی علیه‌السلام قرار ذیل است:

۱- حضرت عیسی علیه‌السلام به اذن خداوند مرض (پیسی) را شفا می‌داد.

۲- از گِل پرنده می‌ساخت و در آن می‌دمید و به اذن خداوند زنده گشته و پرواز می‌کرد.

۳- به اذن خداوند جل‌جلاله مرده را زنده می‌کرد.



۴ـ روزی یاران حضرت عیسی علیه‌السلام از وی خواستند که از خداوند متعال بخواهد تا دسترخوان غذایی از آسمان برای‌شان نازل شود. آن حضرت از خداوند خواست و دسترخوان آماده‌یی از طرف خداوند برای‌شان نازل گردید.

پیامبر اسلام، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، نیز معجزاتی داشتند که مهم‌ترین آن‌ها قرآن کریم است. معجزات مهم پیامبر اسلام را در درس بعدی می‌خوانیم.

فعالیت

شاگردان، در بارهٔ معجزات پیامبران الهی در گروه‌ها با هم صحبت کنند.

ارزیابی

۱ـ مفهوم معجزه چیست؟

۲ـ یکی از معجزات حضرت موسی علیه‌السلام را نام ببرید.

۳ـ زنده کردن مرده‌گان معجزهٔ کدام پیامبر خدا بود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، معجزات حضرت عیسی علیه‌السلام را در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس دوازدهم

معجزات رسول گرامی اسلام

هدف: آشنایی با معجزات پیامبر اسلام

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که پیامبر اسلام چه معجزاتی داشتند؟

۲- آیا می‌دانید که معجزهٔ پیامبر ما جاودانه و همیشه گی است؟

زهرا و لطیفه همیشه با هم به مکتب می‌رفتند و روی یک چوکی می‌نشستند. آن‌ها در راه مکتب در بارهٔ مطالب درسی خود با هم مباحثه می کردند. یک روز از معلم دینی خود چیزهایی در بارهٔ نبوت و انبیا شنیده بودند، برای اینکه مطالب کتاب و گفته‌های معلم را خوب بفهمند، در بارهٔ نشانه‌های پیامبری با هم گفتگو کردند. زهرا از لطیفه پرسید: «مهم‌ترین نشانهٔ نبوت پیامبر اسلام چیست؟»

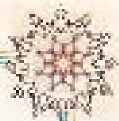
لطیفه کمی فکر کرد و بعد با لبخند گفت: «می‌دانی که هریک از پیامبران برای اثبات حقانیت خود معجزاتی داشته‌اند؛ مثلاً: عصای حضرت موسی علیه السلام به اژدها تبدیل شد و یا حضرت عیسی علیه السلام مرده را زنده می‌نمود. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم نیز برای اثبات نبوت خود معجزه‌های زیادی داشت که بعضی از آن‌ها عبارتند:

- شق القمر؛
- جابه جا شدن درخت به دستور پیامبر اسلام؛
- قرآن کریم که مهمترین معجزه و جاودانه است.»

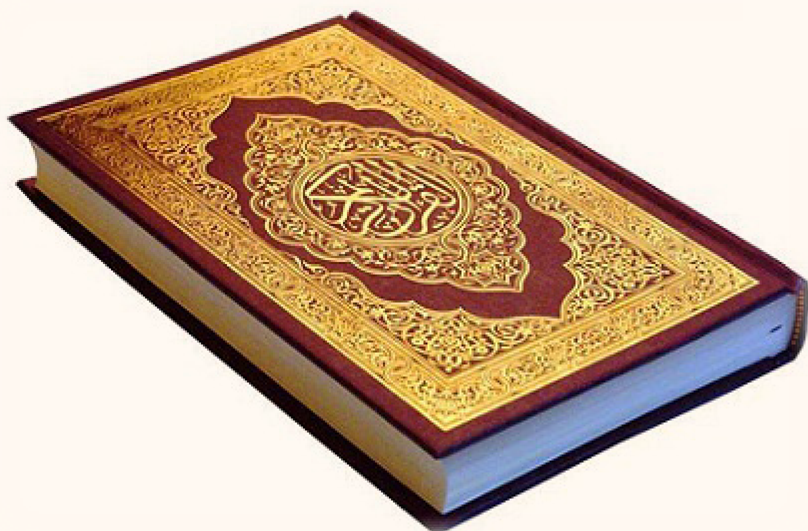
زهرا برای این که معجزه بودن قرآن را بهتر بفهمد، پرسید: «قرآن چگونه معجزه است؟»

لطیفه که هیچ وقت نیندیشیده سخن نمی گفت، لحظه‌یی فکرکرد و این بار به جای اینکه جواب زهرا را بگوید، گفت این سؤال را باید خودت توضیح بدهی. زهرا گفت: «تا آنجا که من می‌دانم، قرآن از چندین نظر معجزه است.»

- از نظر زیبایی بیان و کلمه‌ها؛
- از نظر پیشگویی‌های علمی: یعنی خیلی از چیزهایی که دانشمندان، قرن‌ها بعد از نزول قرآن کریم توانسته‌اند کشف کنند، قبلاً در قرآن کریم به آن‌ها اشاره شده است.



لطیفه گفت: واقعاً عالی و زیبا است. امتیاز قرآن بر معجزات دیگر انبیا نیز در همین مسأله است که قرآن یک معجزهٔ علمی و جاویدانه است.



فعالیت

شاگردان، در بارهٔ تفاوت معجزهٔ پیامبر اسلام با معجزهٔ پیامبران پیشین بحث کنند.

ارزیابی

۱- قرآن کریم چگونه معجزه است؟

۲- معجزات دیگر پیامبر اسلام را نام ببرید.



کار خانه‌گی

شاگردان، درس را در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس سیزدهم

نبی رحمت

هدف: آشنایی با شخصیت و زنده‌گی پیامبر گرامی اسلام

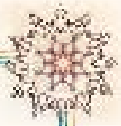
پرسش‌ها

۱- فکر می‌کنید چقدر پیامبر گرامی اسلام را می‌شناسید؟
۲- آیا می‌دانید که پیامبر گرامی اسلام برای امت خود چه قدر دلسوز بودند؟

پیامبر گرامی اسلام بسیار مهربان و دلسوز بود. آن حضرت تمامی زحمات را برای خود قبول می‌کرد تا مردم هدایت شوند و به دین مبین اسلام روی آورند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند. خوب است که در این باره به قرآن کریم مراجعه نماییم که خداوند متعال چه فرموده است. خداوند در آیهٔ «۱۲۸» سورهٔ توبه می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾؛ یعنی قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که رنج شما بر او دشوار است، به (هدایت) شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.

هر گاه کسی دین مبین اسلام را قبول می‌کرد، رسول اکرم خیلی خوشحال می‌شد؛ چون آن شخص با این کار به سعادت دنیا و آخرت می‌رسید. تاریخ شاهد است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشقت‌ها و تلخی‌های بسیار زیادی را متحمل می‌شد تا انسان‌ها هدایت شده و از گمراهی و بدبختی نجات یابند.

آن حضرت به هیچ قیمتی حاضر نشد از وظیفه‌اش که هدایت انسان‌ها بود، دست بکشد. یکبار که کفار قریش پیشنهاد کردند که از تبلیغ دین اسلام دست بردار و ما حاضریم هرچه می‌خواهی به تو بدهیم، فرمودند: «به خدا قسم اگر خورشید را به دست راستم و ماه را به دست چپم بنهند (یعنی با ارزش‌ترین چیزهای دنیا را به من بدهند) حاضر نیستم دست از این کار بردارم». دلیل آن این است که آن حضرت نمی‌خواست دست از هدایت انسان‌ها بردارد؛ چون این کار باعث می‌شد که مردم در گمراهی و ضلالت خود باقی بمانند.





فعالیت

شاگردان، متن درس را مطالعه نموده و در گروه‌ها بین خود به نوبت بخوانند.

ارزیابی

۱- چرا پیامبر گرامی اسلام سختی‌ها و تلخی‌ها را تحمل می کرد؟
۲- پیشنهاد کفار قریش برای پیامبر اسلام چه بود؟
۳- چرا پیامبر اسلام پیشنهاد کفار قریش را قبول نکرد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، آیهٔ متن درس را با ترجمهٔ آن حفظ کنند.



درس چهاردهم

امامان خود را بشناسیم

هدف: آشنایی با زنده‌گی و شخصیت چهار امام معصوم علیهم‌السلام

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید امام باقر علیه‌السلام در کجا به دنیا آمده است؟

۲- آیا می‌دانید امام صادق علیه‌السلام چند سال زنده‌گی کرده است؟

امام محمدباقر علیه‌السلام

امام محمدباقر علیه‌السلام فرزند امام سجاد علیه‌السلام است. امام محمدباقر در سال پنجاه و هفتم هجری قمری در مدینهٔ منوره متولدگردید و در پنجاه و هفت سالگی؛ یعنی در سال ۱۱۴ هجری قمری به شهادت رسید و در قبرستان «بقیع» مدفون گردید. او دانشمند بزرگی بود و شاگردان زیادی را تربیت نمود و برای ترویج احکام دین اسلام بسیار تلاش نمود.

امام جعفر صادق علیه‌السلام

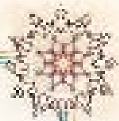
امام جعفر صادق علیه‌السلام فرزند امام محمدباقر علیه‌السلام است. امام جعفر صادق علیه‌السلام در هفدهم ربیع الاول سال هشتاد و سوم هجری قمری در شهرمدینه متولد شد و در سال ۱۴۸ هجری قمری در سن شصت و پنج سالگی به شهادت رسید. امام جعفر صادق علیه‌السلام نیز در «بقیع» مدفون است. امام صادق علیه‌السلام بزرگترین مرکز علمی آن روز را که در حدودی چهارهزار محصل مشغول تحصیل بود، تأسیس کرد.

امام موسی کاظم علیه‌السلام

امام هفتم ما امام موسی کاظم علیه‌السلام است. پدر آن حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام و مادر او بانو حمیده می‌باشد. امام کاظم علیه‌السلام در هفتم صفر سال ۱۲۸ هجری قمری به دنیا آمد و در سال ۱۸۳ هجری در زندان هارون الرشید در بغداد در سن «۵۵» سالگی به شهادت رسید. امام کاظم در قبرستان «قریش» واقع در بخش غربی بغداد امروز به نام «کاظمین» دفن گردید. امام کاظم علیه‌السلام در حلم، بردباری و تحمل سختی‌ها الگو و نمونهٔ انسانیت بود؛ به همین دلیل او را کاظم (فرو برندهٔ خشم) لقب داده‌اند.

امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام

امام هشتم ما امام علی فرزند امام موسی کاظم، مشهور به امام رضا می‌باشد. نام مادرآن



حضرت نجمه بود. امام رضا در یازدهم ذی القعده سال ۱۴۸ هجری قمری در مدینهٔ منوره به دنیا آمد و در بیست و نهم صفر سال ۲۰۳ هجری قمری به سن ۵۵ ساله‌گی به شهادت رسید و در طوس خراسان (مشهد مقدس) مدفون است. برتری شخصیت علمی آن حضرت بر همه‌گان آشکار بود؛ به همین خاطر او را به عالم آل محمد ﷺ لقب دادند.

فعالیت

شاگردان، به طور فردی درس را خاموشانه مطالعه نمایند.

ارزیابی

۱- امام محمدباقر علیه‌السلام در کجا مدفون است؟
۲- امام صادق علیه‌السلام در سن چند ساله‌گی به شهادت رسید؟
۳- امام کاظم علیه‌السلام چه لقب گرفت؟



کار خانه‌گی

شاگردان، جدولی مانند جدول زیر در کتابچه‌های خود بسازند و آن را خانه‌پری نمایند.

شماره	نام امام	نام پدر	سال تولد	سال وفات	عمر	محل دفن
امام پنجم						
امام ششم						
امام هفتم						
امام هشتم						

درس پانزدهم

معاد

اهداف

۱- آشنایی با مفهوم معاد

۲- آشنایی با برزخ و مفهوم آن

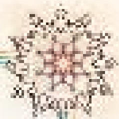
پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید مفهوم معاد چیست؟

۲- آیا می‌توانید بگویید که عالم برزخ به کدام زمان گفته می‌شود؟

یکی از اصول دین، اعتقاد به معاد است. معاد یعنی اینکه انسان‌ها بعد از مردن دوباره زنده می‌شوند و تمامی اعمال آن‌ها محاسبه می‌گردد. زنده‌گی انسان به این جهان محدود نمی‌شود و خداوند جهان دیگری را نیز آفریده است که انسان‌ها بعد از مرگ به آن منتقل می‌شوند و ما به آن آخرت می‌گوییم. برای آنکه بدانیم آخرت چیست و دنیا و آخرت چه ارتباطی با هم دارند، گفتگوی حسن و امام مسجد را می‌خوانیم.

روزی حسن به مسجد محل خود رفت و با امام مسجد گفت: ببخشید می‌توانم چند سؤالی از شما بپرسم؟ امام مسجد گفت: پسر خوبم! من برای همین کار در مسجد هستم که سؤال‌های دینی مردم و به خصوص شما نوجوانان را پاسخ دهم و شما را با مسائل دینی آشنا سازم. پس هر وقت سؤالی در بارهٔ امور دینی داشتی، به مسجد بیا و از من بپرس. آنگاه حسن گفت: اگر ممکن باشد، برایم توضیح دهید که جهان آخرت چیست و چه چیزهایی در آن عالم اتفاق می‌افتد؟ امام مسجد گفت: وقتی انسان می‌میرد، نابود نمی‌شود؛ بلکه از جهانی به جهان دیگری می‌رود. در آن جهان ما نتیجهٔ کارهای خوب و بد خود را می‌بینیم؛ یعنی هر کس در دنیا کار خوب انجام دهد، در آخرت راحت و آسوده خواهد بود و از نعمت‌های بسیار زیادی که خداوند برای مؤمنان آماده کرده است، استفاده خواهد کرد؛ ولی کسانی که در دنیا گناه



می کنند و از دستورات خداوند سرپیچی می‌نمایند، در آخرت به عذاب‌های دردناکی گرفتار می‌شوند.

حسن سؤال کرد: آیا انسان بعد از مرگ به طور مستقیم به بهشت یا جهنم می‌رود؟ امام مسجد جواب داد: وقتی انسان می‌میرد، به عالم دیگری منتقل می‌شود که خداوند در قرآن از آن به برزخ یاد کرده است. در عالم برزخ نیز گناه‌کاران و مؤمنان واقعی زنده‌گی متفاوتی دارند. گناه‌کاران عذاب می‌شوند؛ در حالی‌که نیکوکاران از نعمت‌های الهی برخوردارند. در قبر مورد سؤال دو مأمور الهی، به نام نکیر و منکر، قرار می‌گیرند. مؤمنان خیلی راحت می‌توانند به سؤالات آنان جواب بدهند؛ ولی برای بدکاران عذاب‌هایی در قبر وجود دارد که از آن به خداوند ﷻ پناه می‌بریم.







فعالیت

شاگردان، در گروه‌های دو نفری تقسیم شوند و در بارهٔ معاد و عالم برزخ صحبت کنند.



ارزیابی

۱- مفهوم معاد چیست؟

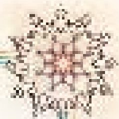
۲- انسان بعد از مردن به کدام عالم منتقل می‌شود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارهٔ معاد در کتابچه‌های خود سه سطر بنویسند.





فصل دوم

احکام



درس شانزدهم

احکام تیمم

هدف: آشنایی شاگردان با انجام دادن تیمم

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که تیمم چگونه انجام می‌شود؟

۲- چه وقت ما نیاز به تیمم پیدا می کنیم؟

در تیمم چهار چیز واجب است

اول: نیت

دوم: زدن کف دو دست باهم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.

سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.

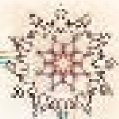
چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

احکام تیمم



۱- اگر کسی مختصری از پیشانی و پشتی دست‌ها را مسح نکند، تیمم او باطل است، چه عمداً مسح نکند یا مسأله را نداند یا فراموش کرده باشد؛ ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پشت دست را مسح کرده کافی است. برای اینکه یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مُچ را هم مسح نماید؛ ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

۲- پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را هم باید پشت سر هم به جا آورد و اگر بین آن‌ها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند، باطل است.



۳- در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا وضو، و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل را معین نماید.
۴- در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاك باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، باید به همان کف دست نجس تیمم کند.
۵- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها یا در کف دست‌ها مانعی باشد؛ طور مثال: چیزی به آن‌ها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.
۶- اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است، بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.[۱]

فعالیت

شاگردان، تیمم را در گروه‌های سه نفری به نوبت به طور عملی انجام دهند.

ارزیابی

۱- اندازه مسح صورت در تیمم چه مقدار است؟
۲- اگر در پیشانی انسان زخمی وجود داشته باشد، چگونه باید تیمم را انجام دهد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، چهار عملی را که در تیمم واجب است، حفظ کنند.

۱ - توضیح المسائل امام خمینی

درس هفدهم

چیزهایی که تیمم بر آن‌ها جایز است

هدف: آشنایی با چیزهایی که تیمم بر آن‌ها جایز است

پرسش

آیا می‌دانید که بر چه چیزهایی تیمم جایز است؟

تیمم بر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ اگر پاک باشند، صحیح است و نیز بر گِل پخته مثل آجر و کوزه نیز صحیح است.

تیمم بر سنگ گچ، سنگ چونه و سنگ مرمر سیاه و سایر اقسام سنگ‌ها صحیح است؛ ولی تیمم بر جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم بر آن صحیح است، به گچ و چونۀ پخته تیمم نکند و اگر دسترسی به خاک و مانند آن را ندارد و امر دایر است بین گچ یا چونۀ پخته و بین غبار یا گل، احتیاط واجب آن است جمع کند بین تیمم با هر دو.

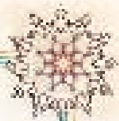
توضیحات

۱- اگر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند این‌ها است، تیمم نماید و اگر غبار در بین بافت لباس و فرش باشد، تیمم به آن صحیح نیست؛ مگر آنکه اول دست بزنند تا روی آن غبارآلود شود، بعد تیمم کند و چنانچه گرد پیدا نشود، باید بر گِل تیمم کند.

۲- اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است و اگر بتواند گِل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم بر گِل باطل می‌باشد.

۳- کسی که آب ندارد، اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید.

۴- اگر با خاک و ریگ، چیزی مانند کاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمم کند؛ ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.



۵- اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، چنانچه ممکن است باید با خریدن و مانند آن تهیه نماید.

۶- تیمم به دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.[1]

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های کوچک تقسیم شوند و راجع به متن درس از همدیگر سؤال نمایند.

ارزیابی

۱- اگر خاک، ریگ، سنگ و کلوخ نباشد، برای تیمم چه باید کرد؟

۲- آیا تیمم بر خشت پخته صحیح است؟

۳- تیمم کردن بر دیوار گلی چه حکم دارد؟



کار خانه گی

شاگردان، چیزهایی را که تیمم بر آن‌ها صحیح است، در کتابچه‌های‌شان لیست کنند.

۱ - توضیح المسائل امام خمینی.

درس هجدهم

مکروهات نماز

هدف: آشنایی با چیزهایی که در نماز مکروه است

پرسش‌ها

۱- آیا معنای مکروه را می‌دانید؟

۲- آیا می‌دانیدکه چه کارهایی در نماز مکروه است؟

مکروه در لغت به معنای ناپسند، نامطلوب و ناخوشایند بوده ودر باب نماز، مکروهات به چیزهایی اطلاق می‌شوند که توجه انسان را از خداوند و نماز برگرداند و به خودش جلب نماید.

مکروهات نماز عبارتند از:

۱- برگرداندن صورت به طرف راست و چپ.

۲- بستن و یا بر گرداندن چشم‌ها به طرف راست و چپ.

۳- نمازگزار با ریش و دست خود بازی کند و انگشت‌ها را داخل هم نماید.

۴- انداختن آب دهان در هنگام نماز.

۵- نگاه کردن به خط کتاب یا انگشتر.

۶- خاموش شدن نمازگزار موقع خواندن حمد، سوره و گفتن ذکر، جهت شنیدن حرف کسی.

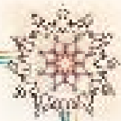
۷- پوشیدن جوراب تنگ در نماز که پا را فشار دهد

۸- خواندن نماز در موقعی که انسان خوابش می‌آید

۹- نماز خواندن در حالتی که نمازگزار از بول و غائط خود خودداری کند

۱۰- خواندن نماز رو به روی عکس یا تصویر

۱۱- هر کاری که توجه انسان را از نماز برگرداند





شاگردان، مکروهات نماز را در گروه‌ها از همدیگر سؤال نمایند.

ارزیابی

۱- مکروهات چیست؟

۲- بازی کردن با دست‌ها در نماز چه حکم دارد؟

۳- سکوت کردن در نماز برای شنیدن حرف‌های دیگران چه حکم دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، مکروهات نماز را حفظ کنند.



درس نوزدهم

سجدهٔ سهو

هدف: آشنایی با سجدهٔ سهو

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که سجدهٔ سهو چیست؟

۲- آیا می‌دانید که در چند مورد سجدهٔ سهو واجب می‌شود؟

سجدهٔ سهو به دو سجده‌یی گفته می‌شود که اگر در حال نماز اشتباهی از انسان سر بزند و از روی سهو باشد، باید بعد از تمام شدن نماز آن را به جا آورد؛ به این صورت که بعد از ختم نماز بدون فاصله نیت سجدهٔ سهو نموده، به سجده برود و بعد دوباره بنشیند و باز به سجده برود و بعد از آن تشهد بخواند و سلام دهد و در هر دو سجدهٔ سهو بهتر است این ذکر را بخوانیم: ﴿بِسْمَ اللهِ وَ بِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَتُ اللهِ وَ بَرَكَاتُه﴾

در پنج مورد سجدهٔ سهو به جا آورده می‌شود:

۱- نمازگزار در بین نماز به خیال اینکه نمازش تمام شده، سهواً حرف بزند؛ اما برای حرفی که از نفس کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجدهٔ سهو واجب نیست؛ همچنین دوباره صحیح خواندن چیزی که غلط خوانده است، سجدهٔ سهو ندارد.

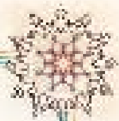
۲- اینکه نمازگزار یک سجدهٔ نماز را فراموش کند و اگر دو سجدهٔ نماز را یکجا فراموش کند، نمازش باطل می‌شود.

۳- نمازگزار در نماز چهار رکعتی بعد از سجدهٔ دوم شک کند که چهار رکعت خوانده است یا پنج رکعت.

۴- نمازگزار در جایی که نباید نماز را سلام دهد؛ طور مثال: در رکعت اول سهواً سلام بدهد.

۵- نمازگزار تشهد را فراموش کند و تا رکوع رکعت بعد یادش نیاید و اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید بنشیند و تشهد را بخواند.

۶- جایی از نماز که باید ایستاده باشد، از روی سهو بنشیند و یا جایی که باید بنشیند، از روی



سهو بایستد.



فعالیت

شاگردان، در گروه‌های کوچک تقسیم شوند و در بارهٔ متن درس بحث کنند.

ارزیابی

۱- سجدهٔ سهو چیست؟

۲- سجدهٔ سهو در کدام موارد واجب می‌شود؟

۳- در سجدهٔ سهو کدام ذکر گفته می‌شود؟



کار خانه‌گی

۱- شاگردان ذکر سجدهٔ سهو و موارد سجدهٔ سهو را حفظ کنند.

درس بیستم

نماز جماعت

هدف: آشنایی با نماز جماعت

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که نماز جماعت چقدر اهمیت دارد؟

۲- آیا شرایط نماز جماعت را می‌دانید؟

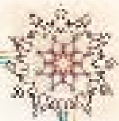
نمازهای واجب به خصوص نمازهای یومیه را مستحب است با جماعت بخوانیم. این حکم در نماز صبح، مغرب و عشا؛ به خصوص برای همسایهٔ مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود، بیشتر سفارش شده است.

در حدیث شریف آمده است که اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتی ثواب شش‌صد نماز دارد و هرچه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می‌شود تا به ده نفر برسند و زمانی که عدهٔ آنان از ده بگذرد، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ و دریاها رنگ و درخت‌ها قلم و جن، انسان و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست و خوب است که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک نکند.

مستحب است انسان صبر کند که نماز را با جماعت بخواند و نماز جماعت از نمازی که شخص در اول وقت به تنهایی بخواند، بهتر است. همین طور نماز جماعتی را که مختصر بخوانند، از نمازی که شخص به تنهایی و طولانی بخواند، بهتر می‌باشد.

وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را به تنهایی خوانده، دوباره با جماعت بخواند.



توضیحات

۱- اگر امام یا مأموم بخواهد نمازی را که با جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشد، اشکال ندارد.

۲- کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

۳- اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند؛ «چون اطاعت پدر و مادر واجب است»، بنا بر احتیاط واجب، باید نماز را با جماعت بخواند.



فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها راجع به اهمیت نماز جماعت با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی چه حکم دارد؟
۲- اگر در نماز جماعت دو نفر اقتدا کنند، چه قدر ثواب دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارهٔ اهمیت نماز جماعت در کتابچه‌های خود سه سطر بنویسند.

درس بیست و یکم

احکام نماز جماعت

هدف: آشنایی با احکام نماز جماعت

پرسش

آیا می‌دانید که نماز جماعت چه احکامی دارد؟

نماز جماعت احکامی دارد که خوب است با بعضی از آن‌ها آشنا شویم:

۱- موقعی که مأموم نیت می‌کند، باید امام را معین نماید؛ طور مثال: بگوید اقتدا می‌کنم به امام حاضر ولی دانستن اسم او لازم نیست.

۲- مأموم باید غیر از حمد و سوره، همهٔ ذکرهای نماز را خودش بخواند؛ ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

۳- اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح، مغرب و عشا صدای حمد و سورهٔ امام را بشنود، باید حمد و سوره را نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را آهسته بخواند.

۴- مأموم باید در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

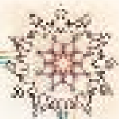
۵- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید.

۶- اگر مأموم پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است.

۷- مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود، را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد.

۸- اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد به گونهٔ اشتباهی قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد به شکل اشتباه مشغول خواندن تشهد شود، مأموم نباید قنوت و تشهد را بخواند؛ بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیهٔ نماز را با او بخواند.

۹- موقعی که امام جماعت نماز یومیه می‌خواند، هرکدام از نمازهای یومیه را می‌شود به او اقتدا کرد.



۱۰- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

۱۱- اگر امام جماعت بدون قصد امامت مشغول نماز شود، اقتدای دیگران به او اشکال ندارد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها تقسیم شده راجع به احکام نماز جماعت با هم صحبت نمایند.

ارزیابی

۱- در نماز جماعت آیا معین کردن امام شرط است؟

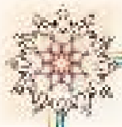
۲- اگر امام جماعت مشغول نماز عشا شود، آیا می‌توانیم نماز مغرب را به او اقتدا کنیم؟

۳- اگر در نمازهای صبح، مغرب و عشا مأموم صدای امام را نشنود، چه کند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، دو حکم اول نماز جماعت را در کتابچه‌های خود بنویسند.



درس بیست و دوم

نماز آیات

هدف: آشنایی با نماز آیات

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید نماز آیات در کدام موارد واجب می‌شود؟
۲- آیا می‌دانید که نماز آیات چگونه خوانده می‌شود؟

آیات جمع آیت است و آیت به معنای نشانه می‌آید. تمامی حوادثی که در عالم رخ می‌دهد، نشانگر قدرت خداوند بزرگ می‌باشد که بعضی از آن نشانه‌ها عبارتند از:

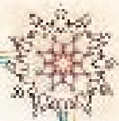
۱- آفتاب گرفتگی
۲- مهتاب گرفتگی
۳- زلزله
۴- رعد و برق و بادهای شدیدی که اکثر مردم را بترساند.

هر وقت این چهار چیز پیش بیاید، بنا به دستور دین اسلام، نماز بر مسلمان عاقل و بالغ واجب می‌شود.

دستور خواندن نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد: بعد از آنکه وضو گرفتیم و رو به طرف قبله ایستاد شدیم، نیت می‌کنیم که دو رکعت نماز آیات؛ طور مثال به خاطر زلزله به جا می‌آورم قربتاً الی الله و تکبیر می‌گوییم. بعد سورهٔ حمد و یک سورهٔ دیگر قرآن کریم را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم. بعد می‌ایستیم و دوباره سورهٔ حمد و سورهٔ دیگر را می‌خوانیم و به رکوع می‌رویم و این کار را به همین صورت ادامه می‌دهیم تا رکوع پنجم. بعد از رکوع پنجم می‌ایستیم و بعد به سجده می‌رویم و دو سجده به جا می‌آوریم و ایستاد می‌شویم و رکعت دوم را مثل رکعت اول می‌خوانیم و بعد از سجدهٔ دوم تشهد می‌خوانیم و سلام می‌دهیم.

نماز آیات را می‌توانیم به صورت کوتاه‌تر نیز بخوانیم: بعد از تکبیرة الاحرام سورهٔ حمد را می‌خوانیم و سپس یک سوره را به پنج قسمت تقسیم نموده و بعد از هر قسمت یک رکوع



می کنیم؛ طور مثال: اگر سورهٔ اخلاص را خواندیم، چنین می کنیم: ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ به رکوع می‌رویم؛ ﴿قُل هُوَ الله أحَدٌ﴾ به رکوع می‌رویم؛ ﴿اللهُ الصَّمَدُ﴾ به رکوع می‌رویم؛ ﴿لَم یَلِد وَ لَم یُولَد﴾ به رکوع می‌رویم؛ ﴿وَ لَم یَکُن لَّهُ کُفُواً أحَدٌ﴾ به رکوع می‌رویم.

فعالیت

یک یا دو نفر از شاگردان، نماز آیات را در صنف عملی انجام دهند.

ارزیابی

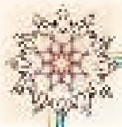
۱- نماز آیات در کدام موارد واجب می‌شود؟

۲- نماز آیات چگونه خوانده می‌شود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، دستور خواندن نماز آیات را حفظ کنند.



درس بیست و سوم

احکام نماز آیات

هدف: آشنایی با بعضی از احکام نماز آیات

پرسش

آیا احکام نماز آیات را می‌دانید؟

نماز آیات احکامی دارد که با بعضی از آن‌ها در این درس آشنا می‌شویم:

۱- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، مانعی ندارد.

۲- چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است، در نماز آیات هم واجب و مستحب می‌باشند؛ ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه به قصد امید ثواب بگویند: «الصَّلاة».

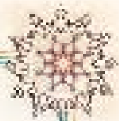
۳- مستحب است پیش از رکوع دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

۴- اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

۵- اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

۶- اگر شک کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده، باید رکوعی را که شک دارد به جا آورد؛ ولی اگر برای رفتن به سجده خم شده، باید به شک خود اعتنا نکند.

۷- هریک از رکوع‌های نماز آیات رکن است که اگر به صورت عمدی یا اشتباهی کم یا زیاد شود، نماز باطل است.



فعالیت

شاگردان، در گروه‌ها راجع به احکام نماز آیات از همدیگر سؤال نمایند.

ارزیابی

۱- اگر کسی یکی از رکوع‌های نماز آیات را کم یا زیاد کند، چه حکم دارد؟
۲- اگر در نماز آیات شک کند‌که چند رکعت خوانده است، حکم آن چیست؟



کار خانه‌گی

شاگردان، احکام دوم و سوم نماز آیات را در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس بیست و چهارم

نماز جمعه

هدف: آشنایی با نماز جمعه

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید نماز جمعه چه اهمیت دارد؟

۲- آیا می‌دانید نماز جمعه چگونه خوانده می‌شود؟

اسلام یک دین جامع است که در همهٔ مراحل زنده گی فردی و اجتماعی، به نیازهای زنده گی بشر توجه داشته است و با توجه به آن، احکامی را برای بهبود زنده گی انسان در دوره‌های مختلف حیات اجتماعی، در نظر گرفته است.

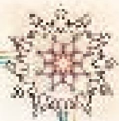
نماز جمعه، جماعت، عیدین و بسیاری از عبادات در تقویت روحیهٔ اخوت و برادری و محکم شدن روابط بین انسان‌ها بر معیارهای دینی و انسانی بسیار مفید و ارزشمند است.

در روایات بر خواندن نماز جمعه تأکید شده است و از اینجا دانسته می‌شود که خواندن نماز جمعه در ظهر جمعه بهتر است و ثواب آن به مراتب بیشتر از خواندن نماز ظهر است. نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و باید تعداد نمازگزار حداقل پنج نفر باشند و چنانچه به طور فرادا خوانده شود، صحیح نیست.

نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است؛ اما تفاوت آن با نماز صبح در موارد زیر است:

۱- نماز جمعه دو خطبه دارد: خطبهٔ اول نماز جمعه، بنا بر احتیاط واجب، باید مشتمل بر حمد و ثنای خدا، صلوات بر پیامبر و آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، دعوت مردم به تقوا و پرهیزکاری و نیز خواندن یک سورهٔ کامل باشد و خطبهٔ دوم مشتمل بر حمد و ثنای خداوند، صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام همراه با نام آنان، طلب آمرزش برای مؤمنان، بیان مسائل سیاسی و اجتماعی و خواندن یک سورهٔ کامل باشد.

حمد و ثنای خدا و صلوات بر پیامبر و آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ بنا بر احتیاط، باید به عربی گفته شود؛



ولی دعوت به تقوا و موعظه و تذکرات و بیان مسائل سیاسی و اجتماعی به زبان حاضرین مانعی ندارد.

۲- نماز جمعه دو قنوت دارد یک قنوت در رکعت اول پیش از رفتن به رکوع خوانده می‌شود و قنوت دوم در رکعت دوم بعد از برخواستن از رکوع ادا می گردد.





فعالیت

شاگردان، در بارۀ کیفیت اقامۀ نماز جمعه درگروه‌ها با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- نماز جمعه چند خطبه دارد؟

۲- نماز جمعه چند قنوت دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارۀ اهمیت نماز جمعه در کتابچه‌های خود دو سطر بنویسند.

درس بیست و پنجم

احکام نماز جمعه

هدف: آشنایی با احکام نماز جمعه

پرسش

آیا احکام نماز جمعه را می‌دانید؟

نماز جمعه احکام زیادی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- نماز جمعه واجب تخییری است؛ یعنی انسان مسلمان در ظهر روز جمعه می‌تواند نماز ظهر را بخواند و می‌تواند به جای آن نماز جمعه را بخواند؛ ولی بهتر است انسان در نماز جمعه شرکت نماید.

۲- امام جمعه باید عادل باشد؛ بنابراین کسی که او را انسان عادل نمی‌داند و یا در عدالت او شک دارد، اقتدا کردن به او صحیح نیست و نماز جمعهٔ او هم صحیح نمی‌باشد.

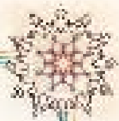
۲- نماز جمعه قضا ندارد؛ بنابراین کسی که آن را ترک کند، باید به جای آن نماز ظهر را به جا آورد و اگر وقت نماز ظهر هم‌گذشته است، باید نماز ظهر را قضا نماید.

۳- وقت نماز جمعه: بنا بر احتیاط باید در اول ظهر شرعی بلا فاصله اذان و سپس خطبه‌های جمعه شروع شود.

۴- بین دو محلی که نماز جمعه برپا می‌شود، حداقل یک فرسخ شرعی (حدود پنج هزار و هفتصد و پنجاه متر) فاصله باشد.

۵- هنگامی که نماز جمعه با شرایط لازم برپا شود، کسی که هنگام خواندن خطبه‌ها حضور نداشته، می‌تواند در نماز شرکت کند.

۶- کسی که به رکوع رکعت دوم رسیده، می‌تواند اقتدا نماید و پس از سلام امام، رکعت دوم را خودش بخواند.



۷- اگر مستمعین اهل زبان‌های مختلف باشند، خوب است امام جمعه به اندازۀ قدرت با همۀ آن زبان‌ها صحبت نماید.

۸- بنا بر احتیاط در حمد و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ و دعوت مردم به تقوا و خواندن یک سورۀ کامل در دو خطبه ترتیب مراعات گردد.



فعالیت

شاگردان، درگروه‌ها راجع به احکام نماز جمعه با هم بحث نمایند.

ارزیابی

۱- نماز جمعه چگونه واجبی هست؟

۲- بین دو محلی که نماز جمعه برگزار می‌گردد، چه قدر باید فاصله باشد؟

۳- کسی که امام جمعه را عادل نمی‌داند، اقتدای به او چه حکم دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، حکم اول و دوم نماز جمعه را در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس بیست و ششم

نماز عیدین

هدف: شناخت اوقات و طریقهٔ ادای نماز عیدین

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که نماز عیدین چگونه خوانده می‌شود؟

۲- آیا می‌توانید بگویید نماز عیدین چه شباهتی به نماز جمعه دارد؟

عید فطر و عید قربان دو مناسبت مهم است که مسلمانان این دو مناسبت را جشن می‌گیرند و در روز اول عید، مسلمانان نماز عیدین را برگزار می‌کنند.

نماز عیدین در زمان حضور امام معصوم علیه‌السلام و با وجود شرایط واجب می‌باشد و در زمان غیبت امام علیه‌السلام با جماعت یا فرادا خواندن آن مستحب است.

وقت نماز عید فطر و عید قربان از طلوع آفتاب تا ظهر است و اگر خوانده نشد، قضا ندارد.

نماز عیدین مانند نماز جمعه دو رکعت می‌باشد و قرار ذیل ادا می‌شود:

۱- نماز عیدین، برخلاف نماز جمعه، اذان و اقامه ندارد؛ ولی به جای آن سه مرتبه گفته می‌شود «**الصلاة**».

۲- بعد از نیت و تکبیرة الاحرام، سورهٔ حمد و یک سورهٔ دیگر خوانده می‌شود.

۳- بعد از خواندن سوره در رکعت اول پنج تکبیر دارد و بعد از هر تکبیر قنوت خوانده می‌شود.

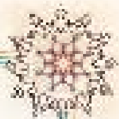
۴- بعد از قنوت پنجم، نمازگزار تکبیر گفته و به رکوع می‌رود.

۵- نمازگزار بعد از رکوع، دو سجده را انجام داده و ایستاده می‌شود.

۶- در رکعت دوم بعد از خواندن حمد و سوره، چهار تکبیر دارد و بعد از هر تکبیر، مانند رکعت اول، قنوت خوانده می‌شود.

۷- بعد از قنوت چهارم، نمازگزار رکوع و سجود را انجام داده و با خواندن تشهد و سلام، نماز را ختم می‌کند.

۸- در نماز عیدین و جمعه حمد و سوره را فقط امام می‌خواند و بقیهٔ اذکار را هم امام می‌خواند و هم مأموم.



۹- در نماز جمعه امام دو خطبه را پیش از نماز؛ ولی در نماز عیدین دو خطبه را بعد از نماز می‌خواند. در ختم خطبه برای خیر و صلاح جامعهٔ اسلامی دعا می کنند.

فعالیت

شاگردان، طریقهٔ خواندن نماز عیدین را درگروه‌ها از همدیگر سؤال و جواب نمایند.

ارزیابی

۱- نماز عیدین با نماز جمعه چه تفاوت دارد؟
۲- نماز عیدین چه وقت خوانده می‌شود؟
۳- نماز عیدین چگونه خوانده می‌شود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، کیفیت خواندن نماز عیدین را حفظ کنند.



درس بیست و هفتم

نماز قضا و احکام آن

هدف: آشنایی با نماز قضا و احکام آن

پرسش‌ها

۱- به نظر شما نماز قضا به کدام نماز گفته می‌شود؟

۲- آیا احکام نماز قضا را می‌دانید؟

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده است، باید قضای آن را به جا آورد؛ بنابراین، نماز قضا به نمازی گفته می‌شود که مکلف آن را به جای نماز واجبی که در وقتش ترک کرده است، به جا می‌آورد.

نمازهایی‌که قضا شده‌اند، همانند نماز ادا خوانده می‌شوند و تفاوت میان آن‌ها تنها در چگونه‌گی نیت است؛ طور مثال اگر کسی خواسته باشد قضای نماز صبح را به جا آورد، باید اینگونه نیت کند: «دو رکعت نماز قضای صبح به جا می‌آورم، قربتاً الی الله».

احکام نماز قضا

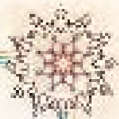
برای نماز قضا احکام زیادی وجود دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند؛ ولی به جا آوردن آن فوری واجب نیست.

۲- اگر نمازگزار بعد از وقت نماز بفهمد نمازی که خوانده باطل بوده است، باید قضای آن را به جا آورد.

۳- در نماز قضا ترتیب واجب نیست؛ به جز در میان قضای نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز؛ بنابراین، کسی که قصد دارد نماز قضایی یک سال را بخواند، می‌تواند آن‌ها را به ترتیب زیر بخواند:

الف) ابتدا بیست بار نماز صبح را بخواند، بعد به ترتیب بیست بار هریک از نماز ظهر و عصر را و سپس به ترتیب بیست بار هریک از نماز مغرب و عشا را و تا یک سال به همین صورت ادامه دهد.



ب) همچنین می‌تواند با یکی از نمازها شروع کند و به ترتیبی که نمازهای پنج‌گانهٔ یومیه را می‌خواند، آن را ادامه دهد؛ طور مثال: اگر می‌خواهد از نماز ظهر شروع کند، می‌تواند ابتدا نماز ظهر را بخواند؛ سپس به ترتیب نماز عصر، مغرب، عشا و صبح را.

۴- کسی که می‌داند چند نماز او قضا شده است؛ ولی تعداد آن‌ها را نمی‌داند؛ مثلاً نمی‌داند دو نماز قضا کرده است یا سه نماز، در این صورت همان تعدادی را که به قضا شدن آن یقین دارد، باید به جا آورد.

۵- تا انسان زنده است کسی دیگر نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

۶- نماز قضا را می‌شود با جماعت خواند، چه اینکه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا. همچنین لازم نیست که امام و مأموم هردو یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر کسی نماز قضایی صبح را با نماز ظهر یا عصر امام جماعت بخواند، اشکال ندارد.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های دو نفری تقسیم شوند و در بارهٔ احکام نماز قضا با همدیگر بحث کنند.

ارزیابی

۱- به کدام نماز، نماز قضا گفته می‌شود؟

۲- چه تفاوتی بین نماز ادا و نماز قضا وجود دارد؟

۳- کسی که نماز قضا دارد، چه کار باید بکند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، مورد ۱ و ۲ را از روی آن در کتابچه‌های خویش بنویسند.

درس بیست و هشتم

نماز مسافر

هدف: آشنایی با نماز مسافر

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که مسافر باید چگونه نماز بخواند؟

۲- آیا شرایط نماز مسافر را می‌دانید؟

بخشی از زنده‌گی هر انسانی را مسافرت‌های او می‌سازد. دین مبین اسلام مسلمانان را به مسافرت و دیدن نشانه‌های خداوند بر روی زمین بسیار تشویق کرده است.

از سوی دیگر، نماز که یکی از مهمترین عبادت‌ها است، باید در مسافرت‌ها نیز فراموش نشود و به صورت درست انجام گردد.

حال سؤال این است که آیا انسان مسافر باید مثل انسانی که در خانهٔ خود است، نماز بخواند یا نمازش فرق دارد؟ اگر فرق دارد این فرق چگونه و با چه شرایطی به وجود می‌آید؟ آیا شما شاگردان عزیز با پدر و مادر خود به جای دوری سفر کرده‌اید؟ آیا دیده‌اید که پدر و مادر شما در سفر چگونه نماز می‌خوانند؟

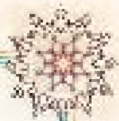
اسلام دین آسانی و ساده‌گی است. اسلام نمی‌خواهد انسان را به مشقت و سختی گرفتار نماید؛ از این جهت از مسلمانان خواسته است در سفر، نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشاء) را دو رکعتی (شکسته= قصر) بخوانند؛ اما نمازهای دو رکعتی و سه رکعتی را مثل همیشه بخوانند. این تغییر نماز از چهار رکعتی به دو رکعتی شرایطی دارد که اکنون با برخی از آن‌ها آشنا می‌شویم:

۱- مسافرت انسان (رفت و برگشت) از هشت فرسخ شرعی که حدود ۴۵ کیلومتر است، کمتر نباشد.

۲- از اول مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.

۳- در بین راه از قصد رفتن هشت فرسخ منصرف نشود.

۴- پیش از رسیدن به هشت فرسخ، قصد وطن خود یا قصد جایی را که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، نکند.



۵- سفر او سفر حرام نباشد. مثل کسی که سفر برایش ضرر دارد یا برای انجام کار حرام سفر می‌کند.

۶- شغل او، مثل راننده موتر در مسافرت نباشد.

۷- به اندازه‌یی از شهر خود دور باشد که صدای معمولی اذان شهر خود را نشنود و در هوای معمولی دیوارهای شهر خود را نیز نبیند و چنانچه هنگام رفتن یا بازگشتن، نزدیکتر از این حد به شهر خود باشد، باید نمازش را تمام بخواند.

یادآوری

وطن به جایی گفته می‌شود که انسان برای زنده‌گی همیشه‌گی خود اختیار کرده است؛ خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد و یا خودش آنجا را برای زنده‌گی اختیار کرده باشد.

فعالیت

دو یا سه نفر از شاگردان، نماز مسافر (شکسته= قصر) را در صنف تمثیل کنند.

ارزیابی

۱- انسان مسافر نمازهایش را چگونه باید بخواند؟

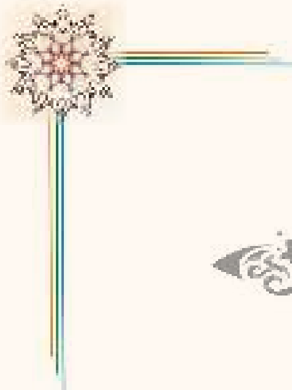
۲- کسی که برای انجام کار حرام سفر می‌کند، نماز او شکسته است یا تمام؟

۳- مسافر در چه صورت باید نمازهای خود را تمام بخواند؟



کار خانه‌گی

شاگردان، شرط‌های اول و دوم نماز مسافر را در کتابچه‌های خود بنویسند.



درس بیست و نهم

احکام نماز مسافر

هدف: آشنایی با احکام نماز مسافر

پرسش

آیا می‌دانید نماز مسافر چه احکامی دارد؟

نماز مسافر احکامی دارد که با برخی از آن‌ها در اینجا آشنا می‌شویم:

۱- کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، اگر رفتن او بیشتر از چهار فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند؛ اما اگر رفتن او سه فرسخ و برگشتن او پنج فرسخ باشد، باید نماز را تمام بخواند.

۲- اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند؛ چه همان روز و شب بخواهد برگردد یا غیر آن روز و شب.

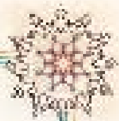
۳- کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید آن را دوباره تمام بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۴ـ کسی که نمی‌داند سفرش چند فرسخ است؛ طور مثال برای پیدا کردن گمشده‌یی مسافرت می‌کند و نمی‌داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند.

۵- اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

۶- کسی که می‌داند در جایی ده روز نمی‌ماند قصد اقامه ده روز اثری ندارد؛ بنابراین: باید در آنجا نمازش را شکسته بخواند.





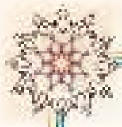
۷- کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری غیر از شغل خود مسافرت کند، باید مانند سایر مسافران، نماز را شکسته بخواند.

یاد آوری: مسافر در دو صورت باید نماز خود را تمام بخواند:

۱- جایی که می‌داند ده روز می‌ماند و یا قصد دارد ده روز بماند.

۲- جایی که سی روز با تردید مانده است؛ یعنی معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود؛ در این صورت از روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.





فعالیت

شاگردان، درگروه‌های کوچک تقسیم شوند و احکام نماز مسافر را از همدیگر سؤال نمایند.



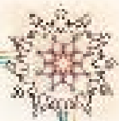
ارزیابی

۱- کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، چه باید بکند؟

۲- کسی که شغلش راننده‌گی است؛ اما برای شغل دیگری مسافرت می‌کند، نمازش را چگونه بخواند؟

کار خانه‌گی

شاگردان، دو حکم اول را در کتابچه‌های خود بنویسند.



فصل سوم

آداب و اخلاق

درس سی ام

اخلاق نیک

هدف: آشنایی با اخلاق نیک

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید اخلاق نیک کدام است؟

۲- آیا می‌دانید که اخلاق نیک چه اهمیت دارد؟

اخلاق نیک عبارت از آن خصلت‌های اخلاقی است که خداوند، وجدان و عقل انسان آن‌ها را می‌پسندند. ما باید تلاش نماییم تا خصلت‌های نیک را بشناسیم و آن‌ها را در عمل پیاده نماییم؛ زیرا اخلاق نیک انسان‌ها را با هم دوست و صمیمی می‌سازد و محبت را زیاد می‌کند.

از جهت دیگر، ما باید از محیط‌های آلوده و دوستان بد دوری نماییم تا اخلاق ما را بد و فاسد نسازند؛ زیرا اخلاق بد و فاسد محبت و صمیمیت با دوستان نیک را از بین برده و سبب نفرت مردم از انسان می‌شود.

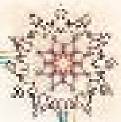
با بدان کم نشین که صحبت بد – گرچه پاکی تو را پلید کند
آفتـــابی به این بزرگی را – تکه‌یی ابر ناپدید کند

دین اسلام بر اخلاق نیک و حسنه تأکید زیاد نموده است. پیامبر اکرم فرمود: ﴿إِنَّما بُعِثتُ لأُتَمِّمَ مَكارِمَ الأخلاقِ﴾؛ من فقط برای تکمیل اخلاق نیک به پیامبری مبعوث شده‌ام.

معنای این سخن پیامبر اسلام این است که اخلاق و فضایل اخلاقی اهمیت زیادی دارد؛ به حدی که یکی از اهداف مهم رسالت شمرده شده است.

گوش دادن به سخنان معلمان دلسوز، خواندن کتاب‌های اخلاقی و دینی و گوش دادن به نصیحت‌های بزرگان، می‌تواند به ما کمک نماید که اخلاق نیک و پسندیده را کسب نماییم.

برخی از مهم‌ترین صفات اخلاق حسنه عبارتند از: صداقت و راستی، احترام به دیگران، عفت و پاکدامنی، صبر و بردباری، امانت‌داری، وفا به عهد و ترک غیبت و تهمت.





شاگردان، در گروه‌ها راجع به اخلاق نیک و اهمیت آن با هم صحبت نمایند.

ارزیابی

۱- اخلاق نیک چیست؟

۲- اخلاق نیک چه اهمیت دارد؟

۳- همراهی با رفیق بد چه ضررهایی دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، حدیث را با ترجمهٔ آن حفظ کنند.



درس سی و یکم

وفای به عهد

هدف: آشنایی با اهمیت وفا به عهد

پرسش

آیا می‌دانید وفای به عهد چه اهمیتی در زنده‌گی ما دارد؟

در دین اسلام در بارهٔ وفا کردن به عهد تأکید زیادی شده است. در قرآن کریم وفا به عهد یکی از صفات مؤمنین شمرده شده است. خداوند جل جلاله در سورهٔ مؤمنون، آیهٔ ۸ می‌فرماید: ﴿وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ﴾؛ یعنی(مؤمنین) کسانی‌اند که امانت و پیمان خود را رعایت می‌کنند. حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: همانا عهد و پیمان‌ها گردن‌بندهایی در گردن‌ها هستند تا روز قیامت. کسی که به آن وفا نماید، خداوند او را به (هدفش) می‌رساند و کسی که به عهد و قول خود عمل نکند، خداوند با او کمک و یاری نمی‌کند.

برای درک اهمیت وفا به عهد به داستان ذیل توجه کنیم:

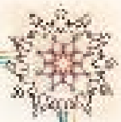
دو نفر چوپان که همیشه با هم گوسفندان خود را به چراگاه می‌بردند با هم قرار گذاشتند که فردا گوسفندان خود را به جایی که علف خوبی دارد ببرند. فردا وقتی که یکی از آن‌ها گوسفندان خود را به منطقهٔ مورد نظر رسانید، دید چوپان دیگر قبل از او به آنجا رسیده؛ اما نمی‌گذارد گوسفندان او در علف‌زار آنجا بچرد. او پرسید:

- چرا از چریدن گوسفندان خود جلوگیری می‌کنید؟

دوستش جواب داد:

- چون با تو قول داده بودم که با هم بیاییم؛ نخواستم پیش از رسیدن گوسفندان تو گوسفندان من از این چراگاه استفاده کنند.

بلی دوستان! داستانی که خواندید مربوط به رسول خدا است. این داستان از زبان عمار نقل شده است که قبل از زمان بعثت همراه با رسول خدا چوپانی می‌کرد. همین اخلاق نیک و پسندیدهٔ رسول خدا بود که از او یک شخصیت بزرگ و شایستهٔ پیامبری ساخت.



فعالیت

۱- شاگردان، با راهنمایی معلم در بارۀ فواید وفاداری و ضررهای بی‌وفایی بحث کنند.

۲- دو نفر از شاگردان در بارۀ داستان، نظر خود را بیان کنند.

ارزیابی

۱- خداوند در بارۀ وفا به عهد چه فرموده است؟

۲- چوپان اولی چرا نمی‌گذاشت که گوسفندانش از علف‌زار بچرد؟

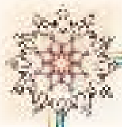
۳- چوپان اولی کی بود؟



کار خانه‌گی

شاگردان، حدیث متن درس را حفظ کنند.





درس سی و دوم

نظم در زنده‌گی

هدف: آشنایی با اهمیت نظم در زنده‌گی

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید که نظم در زنده‌گی چه قدر اهمیت دارد؟

۲- به نظر شما شاگردان منظم موفق هستند یا شاگردان بی‌نظم؟

یکی از راه‌های موفقیت هر انسان در زنده‌گی، درس خواندن و دیگر کارها، نظم است؛ یعنی هر انسانی که بخواهد موفق باشد، باید در زنده‌گی خود نظم داشته باشد. نظم به این معنا است که شخص کارهای خود را بر اساس یک برنامه و تقسیم اوقات مشخص و برای رسیدن به یک هدف مشخص انجام دهد.

به همین خاطر است که خداوند متعال جهان و انسان را با یک نظم خاص آفریده است؛ شب و روز بر اساس نظم است؛ حرکت ماه و خورشید و زمین بر اساس نظم است و دین مقدس اسلام نیز برای نظم دادن به زنده‌گی انسان فرستاده شده است.

بر اساس دین اسلام، خداوند به ما دستور داده است که نمازها را به صورت منظم و در وقت آن انجام دهیم. در روزها به صورت منظم مشغول درس، کار، عبادت و تفریح باشیم و در شب‌ها به صورت منظم استراحت و عبادت کنیم؛ یعنی هرکاری را که می‌خواهیم انجام دهیم، باید در زمان و مکان معین و به اندازهٔ معین باشد تا موفق باشیم.

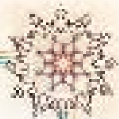
امام هفتم، امام کاظم علیه‌السلام در زمینهٔ نظم بخشیدن به زنده‌گی فرمودند: تلاش کنید که زمان شما به چهار بخش تقسیم شود:

۱- بخشی برای مناجات با خداوند؛

۲- بخشی دیگر برای کار و تأمین زنده‌گی مادی؛

۳- بخش سوم هم برای شنیدن نصیحت بزرگان و هم‌نشینی و صحبت با افراد مورد اعتمادی که عیب‌های شما را به شما می‌گویند و دوستان واقعی شما هستند؛

۴- بالاخره بخشی را هم در نظر بگیرید برای بهره بردن از تفریح‌های سالم.



امام علی علیه‌السلام نیز فرمود: ﴿أُوصِيكُما وَ جَمِيعَ وُلدِي وَ أهلِي وَ مَن بَلَغَهُ كِتابي، بِتَقوَى اللّهِ وَ نَظمَ أمرِكُم﴾؛ شما (حسن و حسین علیهماالسلام) و همه فرزندان و خانواده و هر کسی که نوشته‌ام به او برسد، به تقوای خدا و نظم داشتن در کارتان سفارش می‌کنم.»

امام اول شیعیان در این وصیت خود، نظم در کارها را پس از تقوا و خداترسی قرار داده است که این اهمیت و جایگاه خاص نظم را بیان می‌کند.

فعالیت

دو نفر از شاگردان، در زمینهٔ اثرات نظم در زنده‌گی انسان صحبت کنند.

ارزیابی

۱- نظم به معنای چه است؟

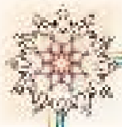
۲- نظم در زنده‌گی انسان چه جایگاهی دارد؟

۳- با توجه به فرمودهٔ امام کاظم علیه‌السلام، انسان وقت خود را باید به کدام بخش‌هایی تقسیم کند؟



کار خانه‌گی

برای تمام ساعت‌های یک هفتهٔ خود تقسیم اوقات درست نموده و تلاش کنید که آن را اجرا نمایید.



درس سی و سوم

عیادت مریض

هدف: آشنایی با چگونه گی عیادت مریض

پرسش‌ها

۱- اگر کسی از دوستان شما مریض شود، شما چه کار می کنید؟

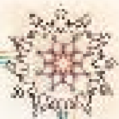
۲- آیا می‌دانید که برای عیادت مریض چه کارهایی باید انجام داد؟

«شقایق» و «نرگس» دوست‌های بسیار صمیمی بودند که همیشه با هم به مکتب می‌رفتند و در صنف پنجم درس می‌خواندند. چند روزی بود که نرگس مریض شده بود و به مکتب نمی‌آمد. وقتی شقایق از مکتب رخصت شد و به خانه رفت، از مادرش خواست که بعد از ظهر به دیدن دوستش بروند. مادرش قبول کرد و گفت: چشم، دختر گلم؛ حتمی می‌رویم؛ چون ما وقتی یکی از دوستان مان مریض می‌شود، باید به دیدار و عیادتش برویم و از حالش خبردار شویم. پیامبر مهربان ما هم اگر دوستش را تا سه روز نمی‌دید و می‌فهمید که مریض است، حتمی به عیادتش می‌رفت.

عصر آن روز، شقایق همراه مادر خود به خانهٔ نرگس رفتند و با همدیگر در بارهٔ آداب عیادت مریض صحبت می کردند. مادر گفت: می‌دانی یکی از بهترین کارهایی که خیلی ثواب دارد، عیادت مریض است؟ ولی بهترین عیادت کننده کسی است که کمتر در خانهٔ مریض می‌نشیند و برای مریض زیاد مزاحمت نمی کند و بالای سر مریض خیلی حرف نمی‌زند.

در میان راه مادر شقایق پیش یک میوه فروشی ایستاد و کمی سیب خرید و به دخترش گفت: امام پنجم ما فرمودند: وقتی به دیدن مریض می‌روید، بهتر است سیب، ناک یا عطر هدیه ببرید.

شقایق و مادرش خیلی زود به خانهٔ نرگس رسیدند. مادر نرگس دروازه را باز کرد و به آن‌ها خوش‌آمد گفت. وقتی شقایق دوستش، نرگس را دید، از دیدنش خوشحال شد و کنارش نشست و برای سلامتی او دعا کرد.



مادر شقایق گفت: می‌دانید وقتی کسی به دیدن مریضی می‌رود، فرشته‌ها اطراف او را می‌گیرند و برایش دعا می‌کنند؛ زیرا امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هرکس به عیادت مریضی برود، هفتادهزار فرشته او را همراهی کرده و برای او طلب آمرزش می‌کنند تا هنگامی که به جایگاه خود بازگردد.[1]»



فعالیت

شاگردان، در گروه‌های دو نفری تقسیم شوند و در بارهٔ چگونه گی عیادت مریض با همدیگر بحث کنند.

ارزیابی

۱- بهترین عیادت کننده چه کسی است؟
۲- امام پنجم در بارهٔ کسی که به عیادت مریض می‌رود، چه فرموده است؟
۳- امام صادق علیه‌السلام در بارهٔ عیادت کنندهٔ مریض چه گفته است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، از والدین خود در بارهٔ عیادت مریض و چگونه گی آن سؤال کنند و جواب‌های آن‌ها را در کتابچه‌های خودشان بنویسند.

۱- شیخ حر عاملی: وسائل الشیعة، ج ۲، ح ۲، (قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق، چاپ اول)، ص ۴۱۵.

درس سی و چهارم

عفو و گذشت

اهداف

۱- آشنایی با اهمیت عفو و گذشت

۲- آشنایی با دیدگاه اسلام در بارهٔ عفو و گذشت

پرسش‌ها

۱- به نظر شما گذشت چه اهمیتی در زنده‌گی ما دارد؟

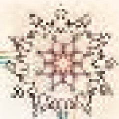
۲- آیا می‌دانید دیدگاه اسلام در بارهٔ عفو چیست؟

یکی از بزرگترین فضائل اخلاقی، عفو و گذشت است. دین مبین اسلام تأکید زیادی بر رعایت عفو و گذشت دارد. نمونه‌یی از عفو و گذشت در اسلام را می‌توان در رفتار پیامبر بزرگ اسلام در فتح مکه مشاهده کرد.

زمانی که پیامبر اسلام در مکه مردم را به دین مبین اسلام دعوت می‌کرد، مردم مشرک مکه به سرکردگی ابوجهل و ابوسفیان، پیامبر اسلام و پیروان او را به شدت آزار می‌دادند. این آزارها به جایی رسید که به شخص نبی اکرم هم توهین می‌کردند؛ با سنگ و کلوخ می‌زدند و خاکستر بالای سرش می‌انداختند و با هم تعهد کرده بودند که با مسلمانان معامله نکنند و با آن‌ها خویشی و دوستی نداشته باشند. پیامبر اکرم و پیروان مخلص او مدت سه سال در بیرون از شهر مکه در یک دره به نام شعب ابی‌طالب در گرسنگی شدید و تنگدستی به سر می‌بردند.

بعد از آنکه مسلمانان به مدینه مهاجرت کردند و حکومت اسلامی تشکیل دادند و قدرتمند شدند، به مکه برگشتند و شهر مکه را فتح نمودند. اهل مکه گمان می‌کردند که به خاطر اذیت و آزاری که آن‌ها به رسول اکرم و یارانش رسانیده بودند، ممکن است پیامبر اسلام نیز از آن‌ها انتقام بگیرد؛ اما رسول خدا با وجود همهٔ نامهربانی‌هایی که از اهل مکه دیده بود، بعد از فتح مکه از همه بدرفتاری آن‌ها گذشت و آن‌ها را بخشید و به اسلام دعوت فرمود.

پیامبر گرامی اسلام در یکی از خطبه‌ها فرمود: «اَلا اُخْبِرُکُمْ بِخَیْرِ خَلائِقِ الدُّنْیا وَ الآخِرَة



﴿اَلْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ الْاِحْسانُ اِلی مَنْ اَساءَ اِلَیْكَ﴾؛ آیا به شما خبر دهم که بهترین اخلاق دنیا و آخرت چیست؟ عفو و گذشت نسبت به کسی که به شما ستم کرده است و ارتباط داشتن با کسی که با شما ارتباط خود را قطع کرده است و نیکی به کسی که به شما بدی کرده است.[1]»

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید: ﴿اَلْعَفْوُ تاجُ الْمَكارِمِ﴾؛ عفو و گذشت تاج فضایل اخلاقی است.[2]»

فعالیت

شاگردان، درس را به دقت بخوانند و در بارهٔ رفتار پیامبر اسلام با اهل مکه در گروه‌ها با هم صحبت کنند.

ارزیابی

۱– مشرکین مکه با پیامبر اسلام چگونه رفتار می کردند؟

۲– پیامبر اسلام بعد از فتح مکه با مردم آنجا چه کرد؟

۳– حضرت علی علیه‌السلام در بارهٔ گذشت چه فرموده است؟

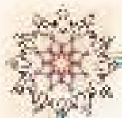


کار خانه گی

شاگردان، حدیث حضرت علی علیه‌السلام را حفظ کنند.

۱ – اصول کافی، جلد ۲، صفحه ۱۰۷

۲ – شرح غررالحکم، جلد ۱، صفحه ۱۴۰ (حدیث ۵۲۰)



درس سی و پنجم

اهمیت صلح در اسلام

هدف: آشنایی با اهمیت صلح در اسلام

پرسش‌ها

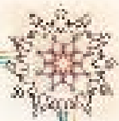
۱- آیا معنا و مفهوم صلح را می‌دانید؟

۲- آیا می‌دانید که صلح در اسلام چه اهمیتی دارد؟

در زمان رسول گرامی اسلام دو قبیله به نام‌های «اوس» و «خزرج» در مدینه زنده‌گی می‌کردند. این دو قبیله همیشه با هم در جنگ و درگیری به سر می‌بردند که به خاطر همین جنگ‌ها افراد زیادی از این دو قبیله کشته شده بودند. بعد از آنکه پیامبر گرامی اسلام به مدینه آمدند، میان این دو قبیله صلح و آشتی ایجاد نمودند؛ بنابراین، صلح به معنای آشتی و داشتن زنده‌گی صلح‌آمیز و عادلانه و از بین بردن کینه‌ها و دشمنی‌ها است. صلح یعنی اینکه انسان خود و دیگران را دوست داشته باشد؛ به همهٔ موجودات احترام بگذارد و یاد بگیرد که اجازه ندارد حق حیات و زنده‌گی را از کسی بگیرد.

اسلام به مسلمانان وظیفه داده است تا جنگ‌ها و اختلاف‌های خُرد و بزرگ موجود در جامعه و خانواده را برطرف کنند و در کنار همدیگر با صلح، آشتی و دوستی زنده‌گی نمایند؛ زیرا صلح و آشتی به زنده‌گی انسان خوشی و شادی می‌بخشد. ایجاد صلح و دوستی در میان انسان‌ها ارزش و اهمیت بسیار بالایی دارد تا جایی که در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ صلح بالاتر از نماز و روزه شمرده شده است؛ زیرا برقراری صلح و آشتی در یک جامعه، باعث پیشرفت و آبادی آن جامعه شده و از بین رفتن صلح و دوستی و ایجاد جنگ و درگیری در جامعه، باعث نابودی آن می‌شود.

صلح و دوستی در اسلام اهمیت زیاد دارد. خداوند جلّ جلاله صلح و آشتی را دوست دارد و جنگ و درگیری را نمی‌پسندد. به همین خاطر است که قرآن کریم در آیهٔ ۱۲۸ سورهٔ نساء می‌فرماید که: ﴿وَ الصُّلحُ خَیرٌ﴾؛ یعنی صلح بهتر [از جنگ و نزاع] است.



دین اسلام پیش از آنکه مسلمانان را به جنگ با دشمنان دعوت کند، آن‌ها را به صلح و دوستی دعوت کرده است. اسلام مسلمانان را برادران دینی همدیگر دانسته و افراد غیر مسلمان را نیز به عنوان هم نوع مسلمین می‌داند. اسلام صلح را تنها مخصوص مسلمانان ندانسته؛ بلکه در مورد غیر مسلمانان نیز صلح را روا می‌داند.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری تقسیم شده، در بارهٔ ارزش و اهمیت صلح با همدیگر بحث کنند.

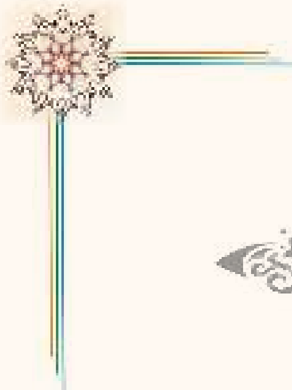
ارزیابی

۱- صلح به معنای چیست؟
۲- آیا اسلام صلح را تنها مخصوص مسلمانان می‌داند؟
۳- در روایت پیامبر اسلام صلح بالاتر از چه چیزی شمرده شده است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، چند جمله‌یی از درس را که به نظر آنان مهم می‌رسد، در کتابچه‌های خود بنویسند.



درس سی و ششم

ارزش صحت در اسلام

اهداف

۱- آشنایی با ارزش صحت و تندرستی

۲- آشنایی با دیدگاه اسلام در بارهٔ اهمیت صحت

پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید صحت چه اهمیتی در زنده‌گی ما دارد؟

۲- آیا می‌دانید چگونه می‌توانیم صحت‌مندی خود را حفظ کنیم؟

دین اسلام بر حفظ صحت و سلامتی تأکید زیادی دارد. سلامتی یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندﷻ است. کسی که سالم و صحت‌مند است در زنده‌گی خود امیدوار است و کسی که امیدوار است همه چیز دارد. برای حفظ سلامتی راه‌هایی وجود دارد که در اینجا با بعضی از موارد آن آشنا می‌شویم:

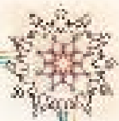
۱- فعالیت جسمی بیشتر؛ یعنی روزانه به صورت منظم ورزش کنیم یا به اندازهٔ توان مشغول کارهای جسمی باشیم.

۲- توجه به نظافت؛ یعنی ما باید بدن، لباس، لوازم و محیط زنده‌گی خود را پاکیزه و پاک نگهداریم تا صحت و سلامتی خود را حفظ نماییم. پاکیزه‌گی، سلامتی و صحت‌مندی ما را تضمین می‌کند. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام فرموده است: ﴿النظافة من الایمان﴾؛ یعنی نظافت و پاکی جزئی از ایمان است.

معنای این حدیث این است که اگر ما نظافت و پاکی را مراعات نکنیم، ایمان ما ناقص است. انسان‌های پاکیزه را همه دوست دارند و آن‌ها هیچ وقت به چیزهای مضر و ناپاک نزدیک نمی‌شوند، انسان‌های پاکیزه سالم و صحت‌مند هستند و همیشه می‌خواهند که پیشرفت کنند و باعث پیشرفت مملکت خود شوند تا همهٔ مردم آن‌ها را دوست داشته باشند. انسان‌های خوب می‌خواهند جسم و روح شان سالم و تندرست باشد. وقتی که مریض باشیم و از نعمت صحت برخوردار نباشیم، نمی‌توانیم پیشرفت نماییم.

۳- نظر خوب داشتن در بارهٔ زنده‌گی؛ یعنی ما باید نسبت به زنده‌گی خود خوشبین باشیم؛





زیرا میان سلامتی داشتن و خوشبین بودن به زنده‌گی ارتباط وجود دارد. نظر خوب داشتن به کار، زنده‌گی، خانواده، دوستان و نزدیکان باعث می‌شود تا زنده‌گی شاد و آرامی داشته باشیم. همین امر به سلامت ما و شما کمک می کند.

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های دو نفری تقسیم شوند و در مورد راه‌های سلامتی از همدیگر سؤال نمایند.

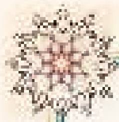
ارزیابی

۱- پیامبر اسلام در بارۀ نظافت چه فرموده است؟
۲- ورزش منظم چه فایده دارد؟
۳- خوشبین بودن نسبت به زنده‌گی چه فایده دارد؟



کار خانه‌گی

شاگردان، در بارۀ خوشبین بودن به زنده‌گی و ارتباط آن با سلامتی دو سطر بنویسند.



درس سی و هفتم

مشورت در اسلام

هدف: آشنایی با اهمیت مشورت در اسلام

پرسش

آیا می‌دانید مشورت چه قدر اهمیت دارد؟

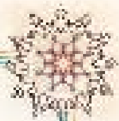
شورا و مشورت در روایات و احادیث دینی ما بسیار آمده است و مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. مشورت در کارها هم مورد تأیید و تأکید دین مقدس اسلام واقع شده و هم از نظر عقلی یک عمل پسندیده می‌باشد؛ زیرا ما وقتی در مورد چیزی از دیگران مشورت می‌گیریم، در واقع از عقل آن‌ها استفاده کرده و دیگران را در تصمیم‌گیری خود شریک می‌سازیم.

دین مبین اسلام به ما دستور داده است که در تمام امور فردی و اجتماعی خویش با یکدیگر مشوره کنیم. در قرآن کریم سوره‌ای به نام شوری وجود دارد که بر اهمیت شورا و مشورت در اسلام دلالت می‌کند. خداوند در قرآن کریم به پیامبر بزرگ اسلام دستور می‌دهد: ﴿وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾؛ و در کارها با آنان (مسلمانان) مشورت کن.

با وجود آنکه پیامبراکرم کامل‌ترین انسان است و ارتباط مستقیم با وحی دارد، باز هم خداوند جل‌جلاله به او دستور می‌دهد که در امور مهم با مسلمانان مشوره نماید. پیامبر اکرم الگو و نمونهٔ یک انسان کامل است و ما باید در کارها از او پیروی نماییم. پیامبرگرامی اسلام در کارهای مهم با مسلمانان مشورت می‌کرد؛ به طور نمونه: یک مورد را با هم می‌خوانیم.

در جنگ احزاب پیامبر گرامی اسلام و یارانش وقتی که در برابر سپاه عظیم مشرکان قرار می‌گیرند، پیامبر اکرم در بارهٔ کیفیت نبرد در مقابل دشمن با اصحاب مشورت می‌کند که سلمان فارسی در این مجلس پیشنهاد کندن خندق (گودال) را داد و پیامبر نظر او را قبول کرد و دستور حفر خندق را صادر نمود.

در جای دیگر، قرآن کریم در توصیف مؤمنین در سورهٔ شورا، آیهٔ ۳۸ می‌فرماید که آن‌ها در کارها با یکدیگر مشوره می‌کنند: ﴿وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ﴾؛ و کسانی که دعوت پروردگارشان را پذیرفته‌اند و نماز می‌خوانند و



کارهای‌شان به صورت مشورت در میان آن‌ها است.

مشوره باعث می‌شود که کارها بهتر و درست‌تر انجام شود و اشتباهات کمتری داشته باشد، هرگاه چند نفر باهم در بارۀ یک موضوع فکر نموده و تصمیم می‌گیرند، در این صورت اشکال و عیب کار کمتر خواهد شد.



فعالیت

شاگردان، راجع به اهمیت مشورت در گروه‌ها با هم بحث کنند.

ارزیابی

۱- مشورت از نظر اسلام چه اهمیت دارد؟

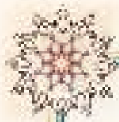
۲- خداوندﷻ به پیامبر گرامی اسلام چه دستور داده است؟

۳- نمونه‌یی از مشورت پیامبر گرامی با اصحاب را بگویید.



کار خانه‌گی

شاگردان، چند نمونه ازکارهایی که با بزرگان خود مشورت می‌کنند را درکتابچه‌های خود بنویسند.



درس سی و هشتم

تعاون و همکاری

هدف: آشنایی با فواید تعاون و همکاری

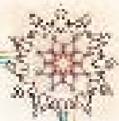
پرسش‌ها

۱- آیا می‌دانید تعاون در زنده‌گی ما چه اهمیتی دارد؟

۲- به نظر شما انسان در جامعهٔ شهری به همکاری بیشتر ضرورت دارد یا در جامعهٔ دهاتی؟

انسان موجود اجتماعی است و در زنده‌گی فردی و اجتماعی خود نیازمند جامعه و افراد دیگر است و نمی‌تواند بدون اجتماع و انسان‌های دیگر زنده‌گی نماید. جامعهٔ بشری هراندازه که پیشرفته‌تر باشد، بیشتر نیازمند تعاون و همکاری است؛ طور مثال: در یک جامعهٔ ابتدایی دهاتی یک نفر کارهای زیادی را انجام می‌دهد و وابسته‌گی‌اش به شغل‌ها و حرفه‌های دیگر کمتر است؛ به طور نمونه: یک نفر که دهقان است می‌کارد؛ درو می‌کند؛ آرد می‌کند و حتی می‌تواند نان بپزد و غذا درست کند؛ در حالیکه در یک جامعهٔ شهری و صنعتی پیشرفته هرکاری نیاز به تخصص دارد و یک نفر نمی‌تواند همهٔ کارها را انجام دهد؛ به عنوان مثال: در یک کارخانهٔ تولید کامپیوتر هرکس در یک کار تخصص دارد و نمی‌تواند همهٔ کارهای ساختن کامپیوتر را انجام دهد.

در دین مبین اسلام نیز بر تعاون و همکاری تأکید شده است؛ به خصوص همکاری در انجام کارهای خیر. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى﴾؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون کنید؛ یعنی در کارهای نیک و تقوا مانند ساختن راه‌ها، تعمیر مسجد و پاک نگهداشتن محل زنده‌گی با هم همکاری نمایید. همان‌طوری که می‌دانیم به همان اندازه که تعاون و همکاری در کارهای خیر مفید است، تعاون در کارهای شر و بد مضر و بد است. به همین خاطر، خداوند جلّ جلاله در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَ لاتَعَاوَنُوا عَلَى الإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ﴾؛ و (هرگز) در راه گناه و تعدّی همکاری ننمایید! یعنی در گناه و ایجاد دشمنی و اختلافات با هم همکاری و تعاون نکنید.





فعالیت

شاگردان، به چندگروه تقسیم شده و در بارهٔ اهمیت تعاون در زنده‌گی اجتماعی بحث کنند.

ارزیابی

۱- تعاون و همکاری از نظر اسلام چه اهمیت دارد؟
۲- آیا انسان بدون همکاری دیگران می‌تواند زنده‌گی کند؟
۳- در چه کارهایی همکاری خوب است و در چه کارهایی همکاری بد است؟



کار خانه‌گی

شاگردان، مواردی را که با پدر و مادر خود همکاری می‌کنند، در کتابچه‌های خود بنویسند.

درس سی و نهم

انتخاب رفیق خوب

هدف: آشنایی شاگردان با اهمیت انتخاب رفیق خوب

پرسش: آیا تا کنون فکر کرده اید که رفیق و دوست بر انسان چقدر تأثیر دارد؟

انسان موجودی اجتماعی است و به تنهایی و دور از جامعه نمی‌تواند زنده‌گی خوب و قابل قبول داشته باشد و بدین جهت در ادامۀ زنده‌گی نیازمند دوستانی صمیمی و دلسوز است. انسان باید تلاش کند که در طول زنده‌گی برای خود دوستی با وفا و رفیقی همراه پیدا نماید و دوست مهربانی که دارد به واسطۀ رفتار نامناسب و مسائل جزئی او را از خود دور نکند.

پس خوب است انسان در زنده‌گی خود با افراد خوب، صادق و کسی که اخلاق سالم اجتماعی دارد، دوست و رفیق شود؛ چون رفاقت و دوستی در اخلاق و رفتار انسان تأثیر می‌گذارد و موارد بسیار زیادی وجود دارد که رفیق بد انسان‌های پاک و خوب را بدبخت کرده است و یکی از عوامل مهم تربیت انسان، دوستان و هم‌نشینان او هستند.

حضرت علی عليه‌السلام می‌فرماید: از رفاقت با افراد بد بپرهیز که تو را به واسطۀ او می‌شناسند.

شاعر خیلی زیبا سروده است:

تو اول بگو با چه کس زیستی — که تا من بگویم که تو کیستی

همان قیمت آشنایان تو — بود ارزش و قیمت جان تو

امام علی عليه‌السلام در وصیتی به فرزندش امام حسن عليه‌السلام در بارۀ دوستی فرموده است: «با اهل خیر و خوبی ارتباط بر قرار کن تا از آنان شوی، و از اهل شر جدا شو تا از آنان بر کنار باشی.[1]» و نیز آن حضرت فرموده است: «ناتوان‌ترین مردم کسی است که نتواند برای خود دوستی بگیرد، و ناتوان تر از او کسی است که دوست به دست آورده را از دست بدهد.[2]»

فعالیت

شاگردان، در گروه‌های سه نفری راجع به انتخاب رفیق بحث کنند.

ارزیابی

۱- انسان باید چه کسی را برای رفاقت انتخاب کند؟

۲- حضرت علی عليه‌السلام به امام حسن چه وصیت فرمودند؟

۱ - سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۴۰۳

۲- همان، حکمت ۱۲، ص ۴۷۰